

نسبت بفاکتور بلوچستان شصت هزار مرد بیاداده اند در بلوای بین خودشان چقدر جمعیت لازم است که شصت هزار مرد تنها بنده گذشته از این در این تقسیم که اتفاق تمایل شده بنده خیلی راضییم از طرف خودم و از طرف اهالی کرمان لکن اگر بخواهند درست ملاحظه حق آنها را بکنند باید بهر بلوک آن یک وکیل بدهند بجهت اینکه روی نقشه نگاه بکنند فاصله بین اینها هر کدام بیست فرسخ و سی فرسخ است و آنوقت دو سه نقطه که بین آنها آنقدر فاصله است جمع کرده اند و یک حوزه انتخابیه کرده اند این ملاحظاتی را باید در باره آنها کرد و باید دانست که اطراف این بلوک این فاصله که هست تمام بیابان فقر لم بزری است که خیلی مشکل است مسافرت و بنده پیشنهاد کرده ام که هشت نفر نماینده بآنها داده شود از روی هشتصد هزار جمعیت که فوری هم رعایت حقوق آنها شده باشد این یک مملکتی است که سالی پنج کروار فواید تجارتش میرسد در صورتیکه سالی دو هزار ذرع ماموت خارجی در آنجا مصرف نمیشود.

**محمد هاشم میرزا** - پیشنهادی که میشود در خصوص عده خوبت نقاط جزء هم خوانده شود که معلوم باشد بکجا افزوده میشود و اگر غیر از این باشد معلوم نیست بکجا افزوده میشود.

**رئیس** - قسمت دوم رفتن و غیره مخالفی هست ؟

**سیرجان** - اقطاع - افشار - لک - زنجان - از رویه - بردسیر یک نفر.

**رئیس** - مخالفی هست ؟

**ناصر الاسلام** - بنده عقیده ام اینست که مادر این تقسیمات نمیتوانم رأی بدهیم مگر اینکه اول بدانیم مجلس عده نمایندگان کرمان را چند نفر تعیین خواهد کرد.

**رئیس** - ماحالاً نخواهیم رأی بگیریم مگر آنکه میکیم ترتیبی را که تا بحال رفتار کرده ایم نمیتوانیم تغییر بدهیم.

**ناصر الاسلام** - بنده مخالفم.

**رئیس** - مخالفید بگوئید دیگر.

**ناصر الاسلام** - بنده برخاستم برای اثبات مخالفت خودم پس خوب است گوش بدهید تا ملتفت شوید که مخالفم یا نه عرض کردم که تا عهد نمایندگان کرمان را اول معین نکنیم نمیتوانیم این تقسیمات حوزه بندی ها را معین کنیم.

**رئیس** - عرض کردم نمیشود.

**ناصر الاسلام** - نمیشود نمیشود.

**رئیس** - بشما احتیاط میکنم.

**ناصر الاسلام** - مختاریه هر چه میخواهید بکنید.

مرکز حوزه انتخابیه سیرجان،

**رئیس** - مخالفی هست (اظهاری نشد)

مهن - اسفندقه - جیرفت - رودبار - جبالبارز - سالار دویه یک نفر.

**رئیس** - مخالفی هست (اظهاری نشد)

مرکز انتخابیه جیرفت.

**رئیس** - مخالفی هست (اظهاری نشد)

لوگر راین - نهرود - بم - نرماشیر یک نفر

**رئیس** - مخالفی هست.

**دکتر حیدر میرزا** - ریگوار هم یک بلوکی است که در گرمسیر است او هم باید نوشته شود.

**ارباب کیخسرو** - بنده اولاً آن اظهاریکه آقای دکتر رضا خان کردند تصویب میکنم و ثانیاً بنده هم در مقدمه عرض داشتم و میخواستم عرض کنم که در کرمان هم حاکم از مرکز کرمان میرود و عقیده بنده این است که این عده برای کرمان کم است و با آن پیشنهاد آقای دکتر حیدر میرزا هم موافقم و همانطور است که ایشان گفتند کرمان با توابعش دو کرور جمعیت دارد و قابل هشت نفر نماینده است خوب است رأی گرفته شود.

**رئیس** - اگر عده تغییر بکنند باید قابل توجه شود برود بکمیسیون و حوزه بندی تغییر بکنند از اول قانون انتخابات اینطور عمل کرده ایم بنده نمیتوانم حالا چه شده است در باب کرمان باید ترتیب تغییر کند مرکز انتخابیه هم.

**رئیس** - مخالفی هست (اظهاری نشد)

**بلوچستان** - یک نفر.

**رئیس** - مخالفی هست.

**لواءالدوله** - بنده در بلوچستان مخالفم بجهت اینکه بلوچستان از قریب معین شده است دو صد هزار جمعیت دارد و آنها در طایفه اند که اگر از آنها ما امروز نماینده داشتیم خیلی پدید ما بخورد بجهت اینکه بلوچستان اینک این طوایف بی اندازه در سیاسیات مداخله دارند اگر در ایران طوایف متمتازی هست بلوچ است و پیشنهاد هم کرده ام در خصوص کرمان بلوچستان.

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت بفرمائید.

**حاج شیخ اسدالله** - در باب عده بلوچستان که میفرمایند دو صد هزار نفر جمعیت دارد اگر بنده عرض کنم صد یا دو صد یا بنده هزار جمعیت دارد تمام حسنی است زیرا عده تحقیقی هیچ یک از نقاط را نمیتوانم بخصوص بلوچستان را اما بآن نظر میکنم آقای لواءالدوله فرمودند طایفه طایفه اند و از هر طایفه یک وکیل بگیریم اینطور نیست این یک نفر فقط برای یک طایفه است که جزو خاک کرمان است و از صد هزار نفر بیشتر جمعیت ندارد و این محقق شده است و حق یک نفر نماینده بآنها داده شده است بنده در یک نفر عرض ندارم اما از باری از یک نفر را که دو نفر سه نفر باشد بنده تصویب نمیکنم و اگر بیش از این بکنند متقاضی نیست و شاید هم فرستند.

**بجهت** - یکی از نقاط خیلی مهم ایران بلوچستان است بلوچستان باین طوری که اشتباه می شود که تمام بلوچستان را بلوچستان دو قسمت میشود یک قسمت از بلوچستان بنادر است یک قسمت دیگرش صحرا است و در صحرا طوایف متعدد است بناوری هست که یک قسمش متصل میشود به خلیج فارس که منتهی میشود و یک قسمش منتهی میشود باقیانوس هند و همه اش بنادر فارس نامیده میشود یک قسمی هست که منتهی میشود به خلیج فارس از قبیل بندر کوا دورچاه بهار که نقطه چهار جنگی انگلیس است که در مقابل کوتیه و کهنیه واقع است در ممی اگر ملتفت باشیم این

بلوچستان واقع شده است در کنار خلیج فارس و کنار اقیانوس هندی است که در جزو خلیج فارس حساب میشود و آن خیلی نقطه مهمی است و جمعیت بلوچستان همه اش ایلات نیست هم شهر نشین دارد و هم ایلات دارد آقایان اظهار میدارند که هشت نفر وکیل بکرمان بدهند بنده مخالفت نمیکنم ولی نقطه نظرم این است که به بلوچستان دو نفر وکیل بدهند و آن نقاط جزئی هم که از قلم افتاده ذکر شود و اینجا دو نفر وکیل لازم دارد که یکی متعلق بان صحرا نشین ها باشد و یکی راجع به بنادرش و مطابق این عرایضی که کردم پیشنهاد میکنم که یک نفر علاوه شود برای بلوچستان و حالا اگر آقایان زیادتر پیشنهاد میکنند برای کرمان و بلوچستان مختارانه ولی نقطه نظر بنده این بوده است که آن یک نفر اضافه شود و تقاضا میکنم که در این قسمت بلوچستان در کمیسیون تجدید نظری بشود که برای هر کدام از این قسمت وکیل معین کنند چون یک طایفه نیستند اگر تجزیه نشود یک اختلافی میان این دو تا پدید میشود و جمعیتش هم بطور یقین از دو صد هزار نفر بیشتر است یکی میافند به بنادر بلوچستان که آخر بنادر فارس میشود و یکی هم مال طوایف بلوچ میشود مرکز حوزه انتخابیه فرج

**رئیس** - مخالفی هست.

**عزالملك** - حاکم نشین بلوچستان بم پور است و اینجا فرج نوشته شده است خوب است همان بپیور نوشته شود.

**دکتر حیدر میرزا** - میخواهم عرض کنم که فرق نمیکند فرج یا پیور دوسه فرسخ بیشتر تفاوت ندارد ولی در فرج چون قلعه حکومتی است بهتر است و معاش هم عالیتر است بر فرض پیور عده اش زیاد باشد و حکومت نشین باشد فرج بهتر است.

**رئیس** - چند فقره اصلاح پیشنهاد شده است بعضی راجع به عده نمایندگان بعضی هم راجع به حوزه بندی عده که پیشنهاد شده است هفت و هشت نفر است اول در هفت باید رأی بگیریم آقای حاج اسدالله فرمایشی دارید بفرمائید.

**حاج شیخ اسدالله** - بنده پیشنهاد کردم که عده نمایندگان کرمان هفت نفر باشد بنده پیشنهاد دانی پیشنهاد کردم که آن یک نفر را اضافه کنند بر مرکز شهر کرمان با آن ولایتیکه ضمیمه شده است و آن حوزه بندی هائی که شده است بهمان حالت باقی باشد و توضیحی هم که دارم اینست که بهر نظریکه خواسته باشیم بکرمان نظر کنیم کمتر از هفت نفر نمی توانیم تصویب بکنیم و اینجا آقای بجهت میفرمایند که باید یک نفر به بلوچستان اضافه شود بنده هفت نفر را عقیده دارم و بهمان هفت نفر رأی بگیریم حالا اگر آقایان زیادتر عقیده دارند خود میدانند عرض ندارم و پیشنهاد خود را در موقعش پس بگیریم لکن کمتر از هفت نفر نمیتوانیم رأی بدهیم.

**بجهت** - عرض میکنم اینکه بنده هفت نفر پیشنهاد کردم ملاحظه اش را عرض کردم ولی استدعا میکنم که اول در هشت نفر رأی گرفته شود اگر اول در هفت نفر رأی گرفته شود ممکن است بعضی بهشت نفر عقیده داشته باشند و رأی ندهند آنوقت بهشت نفر نمیشود رأی گرفت بنده استدعا

می کنم پیشنهاد بنده را بعد از هشت نفر رأی بگیریم.

**محمد هاشم میرزا** - عرض می کنم همجو نیست که اگر بهشت نفر رأی ندادند بنده بهشت نفر رأی داد عقیده آن اشخاصی که هفت نفر را پیشنهاد کرده اند بحتمل که بیشتر از هفت را عقیده ندارند و همینطور اشخاصی که هشت نفر را پیشنهاد کرده اند در هفت نفر رأی نخواهند داد چون عقیده شان این است که کرمان و توابعش هشتصد هزار جمعیت دارد پس هر کسی بهشت نفر عقیده دارد بهشت نفر رأی نخواهد داد و آنکه بهشت نفر عقیده دارد بهشت نفر رأی نخواهد داد.

**نجم آبادی** - در راپورت اول کمیسیون میزان تقریبی در تمام نقاط ایران صد هزار نفر بوده و عده نمایندگان هفت بود در این راپورت میزان صحیحی منظور نیست در بعضی نقاط صد هزار نفر در بعضی نقاط صد و پنجاه هزار نفر منظور شده و در بعضی مثل کرمان دو صد هزار نفر گویا منظور شده نماینده پیشنهاد کردم همان هفت نفر باشد و در خصوص حوزه بندی هم پیشنهاد کردم که یک نفر بجوزیه بندی آنان اضافه شود.

**رئیس** - در باب رأی گرفتن تا حال رسم این بوده است که اول در عده کم رأی میگرفتم حالا هم همانطور رأی میگیریم - آقایانیکه تصویب میکنند که عده نمایندگان کرمان هفت نفر باشند قیام نمایند (معدودی قیام کردند)

**رئیس** - قابل توجه نشد - آقای دکتر حیدر میرزا توضیح بدهید در پیشنهاد خودتان.

**دکتر حیدر میرزا** - چنانچه عرض کردم عرایض خود را همان بعد موافقت مملکت سبب عدم توجه بکرمان شده است اگر هم میفرمایند که کم جمعیت است آنهم بواسطه وسعت خاک او است و نسبت به وسعت خاکش کم جمعیت است و الا دو کرور جمعیت ایالت کرمان است مثلاً شهر کرمان اگر مردم میگویند ۳۰ هزار ۴۰ هزار جمعیت دارد بنده دلیل رد او را دارم عرض میکنم که الا پنج هزار کارخانه قالی باقی در آنجا است که تجار قالی خر آذربایجانی در آنجا هستند که از کارخانه های شهر کرمان قالی میخرند و رفته اند دیده اند از آنها تحقیق بفرمائید که شهر کرمان چقدر کارخانه دارد که مخصوص قالی بافی است و هر کارخانه ۶-۵ الی هفت نفر بچه هستند که اگر آن بچه ها را خواسته باشیم حساب کنیم ۴۰۳۰ هزار نفر است چقدر جمعیت باید باشد که ۴۰۳۰ هزار طفل باشد و آقایانیکه میگویند سی هزار نفر جمعیت دارد از عدم اطلاع است سرم رفته مملکت کرمان اگر بگوئیم دو کرور جمعیت ندارد و اقلاً نهمصد هزار جمعیت دارد و اینکه عرض کردم انتخاب جمعی نباشد بواسطه این بود که بین آنها نمیتوان تقسیم صحیحی کرد چون بیابانهای فقر لم بزری است که واقع شده است بین این آبادیها بنا بر این انتصاب فردی خیلی خوب است و بنده دو نفر اضافه کردم هم یک نفر برای خود کرمان که هیچ حرف ندارد زیرا جمعیت کرمان بیش از اینها است واقش صد هزار جمعیت دارد و دیگر کوه پایه سر آسبا بین چترود چواریار ماها که آنهم یک صد هزار

جمعیت دارد و توابعش را شش نفر بدهیم حالا اگر هم خواسته باشد انتخاب جمعی هم بکنند بنده اصراری ندارم مختارند ولی لازم است که هشت نفر باشد مثلاً هشت نفر را مستحق است نسبت بهمان ترتیبی که بسایر نقاط از روی جمعیت داده اند

**رئیس** - آقای حاج آقا - آقای لواءالدوله آقای سید حسین اردبیلی از این استدلالات آقای دکتر حیدر میرزا قانع شدید یا آنکه توضیح بدهید.

**لواءالدوله** - عرض میکنم مذاکره بقدری شده است که دیگر مذاکره کردن را کافی میدانم ولی این دو نفر را که بنده پیشنهاد کرده ام یکی برای کرمان است و یکی برای بلوچستان که کمیسیون یکی تعیین کرده است سابقی جاها را با کمیسیون موافقت ولی یک نفر برای بلوچ لازم است که دو نفر نماینده داشته باشد مگر عرض کردم که ما نباید برای شهر کار بکنیم برای دهات و اطراف هم باید کار بکنیم که آنها شهری شوند.

**رئیس** - آقای اردبیلی بفرمائید.

**آقا سید حسین اردبیلی** - توضیحاتی که برای لروم هشت نفر داده شد بنده علاوه میکنم بر آنکه کرمان یکی از ایالات بزرگ مملکت است در صورتیکه برای آذربایجان و اطراف آن ۹ نفر تصویب بکنیم کرمان هم همانقدر شاید بالاتر جمعیت داشته باشد در تقسیمات که شده است در پیشنهاد خودم عرض کردم که هشت نفر بجوزیه هائیکه در آنجا معین شده است تقسیم شود.

**رئیس** - آقای حاج آقا بفرمائید.

**حاج آقا** - بنده گمان میکنم آنقدر در توضیحاتی که بآید داده شد چیزی بنده مکرر نمیکنم در آن پیشنهادیکه بنده کرده ام عده را نوشته ام که بعد از آنکه قایل توجه شد حوزه بندی او را واگذار میکنم بنظر خود کمیسیون محض یاد آوری عرض کردم همینقدر نظر آقایان را متوجه میکنم باین نظر که بایا ت در دست و ولایات جنوبی یک نظر توجهی بکنند که اقلاً از آن دوره اول کمتر نشود که اقلاً بلاد دور دست هم در رشا آبادی بیفتند.

**رئیس** - رأی میگیریم در این پیشنهادها که عده نمایندگان کرمان هشت نفر باشد آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت قابل توجه شد حالامی رود کمیسیون در باب حوزه بندی ها بعد از اینکه در کمیسیون اصلاح شد رأی میگیریم.

**رئیس** - مخالفی هست.

**لواءالدوله** - در شور اول يك پیشنهادی در اینخصوص کردم که چهار نفر باشد بجهت اینکه ماهیسه گفتار و کردار مان نظر بسابقه است بنده به بلاخطه اینکه خود را نسبت میدهم بگلیایگان و خونسار خیر چون برای قزوین و سایر جاها هم حرف زدم و پیشنهاد کردم برای ملت عرض می کنم برای خودم عرض نمیکنم در کمیسیون بنده نرفته ام گویا در باب گلیایگان و خونسار غفلت شده است بیستون را که يك ده است جزو کرمانشاه اسم برده اند در صورتیکه این خودش معلوم است و همه کس میدانند که جزو کرمانشاه است و هیچ اسم

لازم ندارد و يك بلوک معتبری را باید بنویسند فراموش کرده اند و خونسار ترا نوشته اند در شور اول هم عرض کردم سبب و هشتاد هزار نفر این مجله جمعیت دارد که گلیایگان و خونسار و محلات و کمره است سابقاً هم بگلیایگان و خونسار و کمره و محلات مجلس هر کدام را يك وکیل داده بودند که چهار وکیل باشد حالا آمده اند دو نفر قرار داده اند بنده يك پیشنهادی کردم و رجوع شد به کمیسیون ابتدا کمیسیون توجهی نفرمودند اسمی از او نبرده اند حالا چون بنده میدانم که چهار نفر قبول نمیشود من باب کسی پیشنهاد نکردم من باب خودم هم پیشنهاد نکردم من باب خدا پیشنهاد کرده ام که سه نفر باشد که ظلم نشود باین بیچاره ها (مرکز حوزه انتخابیه گلیایگان)

**رئیس** - مخالفی هست.

**لواءالدوله** - نظر بآن پیشنهاد که کرده ام حوزه خونسار را بنده از گلیایگان مجزا کرده ام.

**حاج شیخ اسدالله** - گویا اینجا اشتباه کرده اند چهار مجال را خواندند و آنوقت مرکز را فقط خونسار معین کردند.

**رئیس** - چهار مجال را خواندند دو مجال را خواندند.

کمره - سایر بلوک - محلات یک نفر.

**رئیس** - مخالفی هست (اظهاری نشد)

مرکز حوزه انتخابیه محلات

**رئیس** - مخالفی هست (اظهاری نشد)

پیشنهادی از آقای لواءالدوله شده است قرائت می شود.

(بابت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم نظر بهر صد هزار نفر که یک نفر نماینده انتخاب میشود باید از ولایات ذیل چهار نفر نماینده انتخاب نمود که حقوق ملت محفوظ و هم رعایت طایفه رنجبر شده باشد چون میدانم که چهار نفر قبول نخواهد شد لهذا این بنده پیشنهادی میکنم که از محلات ذیل بطریقی که عرض میشود نماینده منظور شود خونسار و میبندند بلوک عربستان و امرود یک نفر - گلیایگان و توابع یک نفر - محلات و کمره و سایر بلوک یک نفر.

**رئیس** - آقای لواءالدوله توضیحی دارید بفرمائید.

**لواءالدوله** - عرض کنم این چیزی که بنده اینجا توضیح دادم خونسار است و بلوک عرب چندین سال است که عربها آمده اند آنجا موطن کرده اند و به بلوک عربستان معروف است چندین سال است که آنها موطن کرده اند و قریب پنج شش فرسخ طول دارد تا خونسار بید هند است و بلوک عربستان و آمروم است که در پیشنهاد اسمی آنها را نوشته ام دهات خیلی آبادی است که هر کدام بانصد خانوار دارد و اینها را بنده منقسم بجوزیه ها کرده ام که جزء خونسار است و جمعیت هر یک از آنها از صد هزار بیشتر است و محلات هم از سیصد هزار نفر جمعیت بیشتر است.

**رئیس** - مخیر چه میفرمائید.

**ذکاء الملك** - در صورتیکه مجلس برای عراق رأی نداد یک نفر اضافه شود گمان نمیکنم

تصویب کنند که برای اینجا یک نفر اضافه شود.  
**رئیس** - رأی میگیریم باصلاح آقای لواالدوله آقایی که تصویب میکنند قیام نمایند (معدودی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه شد در صورتیکه قابل توجه نشد حوزه بندی را مسترد میدارید.

**لواءالدوله** - تقاضا میکنم برود کمیسیون

**رئیس** - رأی میگیریم برابور کمیسیون که دو نفر نوشته اند آقاییانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد - یک ربع تنفس داده میشود.

(بعد از تنفس مجدداً جلسه تشکیل شد و شروع بقرائت حوزه بندی گیلان گردید.)

گیلان چهار نفر رشت انزلی شفت نوسن گرگان رود اسالم - طالش - دولاب - شایب زین - لاهیجان - لنگرود - رانکو - رود سر - رودبار - رحمت آباد - دیلمان - عمارلو و غیره (۴) نفر.

**رئیس** - مخالفی هست.

**محمد هاشم میرزا** - بنده عده نمایندگان

گیلان را چهار نفر کم میدانم و پنج نفر پیشنهاد کرده ام میدارم مگر قبول کنند که محتاج برای باشد

**آقای میرزا احمد** - از اول این رایوریکه از

کمیسیون انتخابات آمده تا بعد از رایوریکه از انتخابیه اگر ملاحظه شود هیچ جا مثل گیلان بی ترتیب

نشده است گیلان را مثل کرمانشاهان و کردستان

و دارای چهار صد هزار نفر جمعیت فرض کرده اند و چهار نفر داده اند در صورتیکه در نظامنامه انتخابات

سابق پنج نفر بود در آن رایور اولی شش نفر نوشته بودند و تقاضای هفت نفر شده بود بنده میدانم

از روی چه میزان نوشته اند اگر از روی میزان جمعیت

است گیلان دارای شش هفت شهر بزرگ است از قبیل

لاهیجان و لنگرود و غیره و سایر جاهائیکه چهار نفر

معین شده است و از این شهرها ندارند گذشته از این

مسئله اهمیت تجارتمی و اقتصادی و سرحدی که آقاییان

خودشان اطلاع دارند و یکی از آن شهرها طالش و

سایر ایلات است که چیک از ولایات این محلها را

نداشته و آنقدر شهر در هیچیک از ولایات نیست بنظر

بنده در باب گیلان یک بی انصافی شده است بجهت

اینکه تمام جاها میزانش با اندازه خودش بوده است

اما گیلان یک بی اعتدالی شده است بنده گمان میکنم

اگر خود آقاییان اعضای کمیسیون در واقع بشوقت

نظری بکنند خودشان ملتفت خواهند شد که چهار نفر کم داده اند بگیلان لهذا بنده تقاضا میکنم که

بگیلان شش نفر نمایند بنده بنده مطابق ۶ نفر حوزه بندی اورا پیشنهاد میکنم و تقدیم مینمایم.

شده است بنده یک ترتیب حوزه بندی را با پنج نفر نماینده اش تقدیم میکنم و گمان میکنم همینطور تصدیق بفرمایند و کافی باشد.

(پیشنهاد آقای ذکاءالملک بعبارت ذیل قرائت شد)

رشت توابع انزلی شفت فومن و غیره ۳ نفر مرکز

انتخابیه رشت گرگان رود اسالم طالش دولاب

شاهزمین مایسان یک نفر مرکز انتخابیه گرگان رود

لاهیجان - لنگرود - رانکو - رودسر - رحمت آباد

دیلمان - عمارلو و غیره یک نفر مرکز انتخابیه

لاهیجان.

**رئیس** - آقای هشتروندی مخالف هستید.

**هشتروندی** - بنده بنده پنج نفر پیشنهاد کردم

چون مغرب پیشنهاد کردند بنده بیس میگیرم و عقیده بنده

هم پنج نفر بود.

**بهرجت** - گیلان از هر جهت قابل توجه و قابل

نظر است یکی از جهت سرحدی یکی از جهت آزادی

خواهی و یکی از جهت تجارت قطع نظر از اینها یکی

از ایالات ایران است اگر چه در این خصوص در مجلس

رأی داده نشده است ولی در دوره استبداد این طلب

یک ترتیبی یسرتر کرد و اولاً اینکه بطور فوق العاده

بود بهر حال رشت یکی از شهرهای معظم این مملکت

است و اقلاً رشت را با توابعش نمیتوان کمتر از چهار

نفر داد و شاید نمیشود کمتر از اصفهان داد یقیناً

از شیراز کمتر نیست از آن طرف هم بعضی نقاط رشت

خودش یک نفر وکیل لازم دارد باینجهت بنده پیشنهاد

میکم که ۶ نفر وکیل داشته باشد و بعد ترتیب حوزه بندی

و تقسیمش را هم پیشنهاد میکنم و یقیناً جمعیت گیلان

از شصدهزار نفر و هفتصد هزار نفر کمتر نیست و برای

تقسیم هم مخالفم در اینکه یک حوزه با دو ولی اول

حال که بر میگردد بکمیسیون در ترتیب انتخابات جمعیتش

هم مخالفم و نظرات خود را سابق گفته ام حالا در

اینخصوص عرض میکنم بهرجهت باید بقدر شهر رشت

با توابعش و اطرافش که اسم برده شده است ۴ نفر

**ناصر الاسلام** - دلایلی که اغلب نمایندگان

در مجلس اظهار کردند حق اظهارات آقای مخبر

هم این بود که ما باید یک ترتیبی را اتخاذ کنیم

که و کلاه زودتر حاضر شوند و مجلس افتتاح شود

از این نقطه نظر میتوانیم بگوئیم که گیلان افتخاری

که دارد این است که اول و کبلی که مجلس آمده

وکیل گیلان بوده و از جهت دارایی این افتخار

شد میتوانم آنرا هم عرض کنم از راه دانائی و

ملتفت بودن با اصول مشروطیت و حفظ حقوق حق

خودشان بود چنانچه در این مدت که اسم مشروطه

در ایران پیدا شد آنها همه قسم فداکاری و جانفشانی

کرده اند و امتحانات خودشان را داده اند تاکنون

هم میدهند و امیدواریم بعد از این هم بدهند و باز

هم عرض کنم که کمتر مملکتی است که دعوات و قراء

و اطراف او با اصول مشروطیت و حفظ حقوق انسانیت

آگاه باشند و آن مقام را دارا باشند افتخار آگیلان

دارای این مقام هست و بطوریکه اسم برده شده

است و نوشته شده است معلوم میشود که اغلب مجامعین

از گیلان میدانند این حرکت و جدیت بروزیکنند

از یک ملت مگر از مسوق بودن به محسنات مشروطیت

و مطلع بودن بحقوق بشریت و از نقطه نظر جمعیت

و عده هم اگر نظر بخواهیم بکنیم همینطور که

توضیح دادند گیلان از جهت جمعیت و آبادی دارای

هفتصد هزار نفر جمعیت است اگر احصائیه بود

معلوم میشد چون احصائیه نیست هر کجا چیزی میگوید

گیلان نقطه نیست که دور از مرکز باشد یا خیلی

بعید باشد و از وضع آنها اطلاع نداشته باشند گویا

اغلب نمایندگان آگاه با وضع آنها باشند اغلب

آقاییان که مسافرت برشت کرده اند یا با گیلانها

معاشرت داشته اند بغوی از گیلان و نقطه مرکزیت

و عده جمعیت گیلان آگاهند و کمال بی محبتی است

**رئیس** - راجع بقسمت اول است مخالفی هست

(اظهاری نشد)

**رئیس** - در قسمت دوم مخالفی هست.

**میرزا داود خان** - همان قسمی که در

خصوص گیلان مذاکره شده همان قسم مازندران دارای

آبادی است و بیکی از تقاطیکه اسم برده نشده

است علی آباد است که تماش آبادی است دارای

۱۶۰ پارچه آبادی است که هیچ اسمی از آنجا

برده نشده بنده تصور میکنم که ۲ نفر برای ساری

و غیره کم باشد تقاضا میکنم که سه نفر باشد و علی

آباد را هم جزء بکنند.

**رئیس** - آقای شریف العلماء فرمایشی

دارید بفرمائید.

**شریف العلماء** - اولاً تقسیم حوزه بندی

خیلی بی ترتیب است مثلاً بند بی هیچ ربطی ساری

ندارد او مربوط بیار فروش است ثانیاً این که با فروش

را مقدم نوشته است باید ساری مقدم شود مقدم مؤخر

شده این را درست کنند ثالثاً این عده که معین

کرده اند خیلی کم است بجهت این که مازندران و

ساری ۸۰ بلوک است و چند محل دارد مثل سواد

کوه و کلارستان و دماوند و غیره که اهالی این

صفحات ۹ ماه ۱۰ ماه در مازندران هستند بنده تصور

میکم که این عده برای مازندران خیلی کم است و

عده نفوس مازندران زائد بر هفتصد هزار نفر است

و این عده که معین شده است کم است و پیشنهادی

هم عرض کرده ام.

**میرزا السلطان** - در شور اول بنده مخالف

بودم تا این که در کمیسیون بنده را احضار کردند

چون عضو داشتم حاضر نشدم بنده اینجا مخالفت

کردم برای این بود که عرض کردم جمعیت مازندران

بیش از ۶۰۰ هزار نفر است بنده میدانم چه جهت

**شریف العلماء** - همان است که

عرض کردم

**لواءالدوله** - عرض کنم آقاییان که از آن

جا انتخاب شده اند توضیح داده اند و کاتبه حقون

اهالی مازندران در چهار نفر تقسیم میشود و ۶ نفر هم

زیاد است ۵ نفر کافی است

**انتظام الحکماء** - بنده اگر چه اختصاص

بنمایندگی مازندران ندارم ولی بواسطه اطلاع

مجلسی که دارم وجدان من حکم میکند که در این

محضر مقدس توضیحات بدهم تا خاطر نمایندگان

محترم مستحضر شود که در واقع در خصوص مازندران

یک بی انصافی و بی اعتدالی شده است زیرا از هر

جائی که باید نماینده معین شود رعایت ملاحظات چهار

گانه باید در او بشود اول اهمیت محل دوم جمعیت

سیم وسعت خاک چهارم مالیات اما از جهت اهمیت

گذشته از اینکه بیکی از سرحدات منظم ایران

محسوب میشود مخزن رزق و روزی دارالخلافه است

یکی عده نفوس اما از جهت عده نفوس در ۳۰ سال

قبل یا بیشتر یا کمتر وقتی ناصرالدین شاه خواست

عده نفوس ایران را معین بکند مأمورینی که فرستادند

بمازندران چهار شهر و توابع مازندران چهار ۵

و شصت هزار عده نفوس آنجا را معین کردند که

ساری و بارفروش و اشرف آمل باشد و همه می دانند

که آن تاریخ تاکنون هم بمارت آنجا افزوده

شده است و هم بجمعیت آنجا علاوه مجال ثلاثه که

تنگین و کجرو و کلارستان باشد که خود تنگین چهل

هزار نفر جمعیت دارد و کجرو و کلارستان هم

شصت هزار جمعیت دارد که اینجا هم تقریباً صد هزار

نفر میشود منجمله نورات همینقدر عرض میکنم یک

نوری اینجا نوشته شده است این نود ۱۸ بلوک

است که هر بلوک یکی دارای چندین قراء و قصبات است

و آقای شایخ غلامحسین پیشنهادی شده است بکمیسیون

رجوع می شود - ملایر و تویسرکان و نهاوند

در نفر.

**رئیس** - مخالفی هست

**حاج مصدق الممالک** - بنده بنده در

عده نمایندگان آن جا عرضی ندارم ولی راجع بانتخاب

جمعی عرض میکنم که خیلی مضرت از آن انتخاب دو

درجه است و بطوریکه پیشنهاد کرده ام برای ملایر

یک نفر و برای تویسرکان و نهاوند هم یک نفر معین

شود که آن دو محل حوزه بندی علیحده باشم مرکز

ملایر در خود دولت آباد باشد و نهاوند و تویسرکان

را در خود نهاوند ولی مرکز انتخابیه همه در دولت

آباد باشد

**حاج سید ابراهیم** - عرض کنم باید در

این نظامنامه تمام انظار راجع کرد در این نظامنامه

نظر دولت باین بود که طوری گردد که عده کمتر باشد

و زود انتخاب شوند و در شهرهایی که سرعت میشود

انتخاب کرد و مردمانش بصیرترند زودتر انتخاب شود

و از اینطرف هم باید انتخاب جمعی را قسمی ملاحظه

کرد که محروم نشوند تصور میکنم حد وسط معین

است که معین کرده اند ملایر و نهاوند و تویسرکان دو

نفر این نواز آن جهت است که خیلی ها را محروم

کرده باشیم و آن نظریکه اسباب سرعت انتخابات

هم هست ملحوظ شده است و بالنسبه باید بصیر به

حقوق مملکتی باشند که دیگر اسباب معطلی نباشد

**دکتر حاج رضاخان** - آقای حاج سید

ابراهیم در یک جائی که سرعت انتخابات فردی می

شود مراقت کردند با انتخاب جمعی که نظر دولت

باین بوده است که بهولت انتخاب بعمل بیاید بجهت

همین است که ملایر و تویسرکان و نهاوند را یک حوزه

قرار داده اند در صورتیکه انجمن نظارت که تشکیل

شده مردم که بخواهند رأی بدهند از برای آن ها

خیلی مشکل تر خواهد بود که دو نفر بنویسند تا یک

نفر بنویسند و البته وقتیکه یک نفر شد هم زودتر

وکیل صحیح انتخاب خواهند کرد هم زودتر فرستاده

خواهد شد پس هر طریقی که ملاحظه کنند این ترتیب

بتر است و این ترتیب را اگر اختیار میکردند هر

چه در سایرین میشد در اینجا هم میشد

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست (گفتند خیر)

اصلاح حاج مصدق الممالک خوانده میشود (بعبارت

ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم دو نفر نمایندگان ملایر

و تویسرکان و نهاوند را تجزیه فرموده یک نفر برای

ملایر یک نفر بجهت نهاوند و تویسرکان رأی گرفته

شود حوزه انتخابیه در هر یک از این سه ولایت مرکز

انتخاب در دولت آباد ملایر

**رئیس** - توضیح بدهید

**حاج مصدق الممالک** - توضیح اینست که جمعیت

ملایر نسبت بتویسرکان و نهاوند مساوی است

اگر ملایر با تویسرکان و نهاوند شرکت در انتخاب

داشته باشند آنها از نماینده خودشان محروم خواهند

شد اینستکه ناچار هستیم که نهاوند و تویسرکان که

هر دو یک نفر نمایندند دارد بگوئیم با هم شرکت کنند

و مرکز انتخابات ملایر در دولت آباد باشد و

تویسرکان در نهاوند بجهت اینکه آنجا حکومت

نشین است



ابراهیم خان و میرزا یانس و آقا میرزا مرتضی قلی خان و آقای بهجت که راجع باین که دو نفر برای بختیاری معین شود

ناصر الاسلام - اجازه میفرماید

رئیس - بفرماید

ناصر الاسلام - فلسفه نماینده خواستن از ایلات گویا معلوم باشد که از چه راه و چه نظرات اغلب نمایندگان مجلس شورای ملی دو مشروطه صغیر جدا داشتند و نظرم هست که از وزراء سؤال و استیضاح میکردند پشت سر هم که نماینده ایلات را بر مرکز بخواهند خوشبختانه در این دوره ایسل جلیل بختیاری يك نحوی موفقیتی پیدا کرد که بسلاوه از آن نظریکه نمایندگان داشتند فوق آن اقدام کردند یعنی بطوری موفقیت پیدا کردند که تقریباً میتوانم بگویم که اکثریت ایل جلیل بختیاری حاضر شد برای دفاع از دشمنان آزادی و برای حفظ مملکت و در این موقع که ما نماینده از ایلات را میخواهیم از روی عده معین کنیم خوب است بختیاری ها از آن قطعه نظر دور نکنیم همین طور که بشهر ها و ولوکلان از حیث عده نگاه میکنیم به آن ها نگاه نکنیم و از حیث عده هم آن ها سزاوارند که بآنها دو نفر نماینده داده شود و بواسطه اینکه باصول مشروطیت آگاهند اگر غالب باشند میتوانند بروز همه قسم خدمات بدهند و بعضی چیز ها را بسایر نمایندگان ایلات بفرمانند باین نظر پیشنهاد کردم که نمایندگان ایل جلیل بختیاری دو نفر باشد

آقا میرزا ابراهیم خان - همین قدر بطور اختصار عرض میکنم که اگر یک نفر نماینده به بختیاری بدهند از دیدار آن نماینده محروم خواهیم بود و بخلاف اگر دو نفر نماینده بدهند از دیدار آن ها محروم خواهیم شد لهذا این پیشنهاد را تقدیم کردم

آقای زار رضی قلیخان - پیشنهاد بنده با این دو پیشنهاد دیگر قدری تفاوت داشت از این جهت استدعا میکنم که به پیشنهاد بنده علیحدگی گرفته شود برای اینکه بنده در باب نماینده ایلات دو نفر را برای بختیاری قائل نیستم و عقیده ام این است که نماینده بختیاری همان یک نفر باشد ولی بختیاری که يك بلاد پر جمعیتی است از قدم اتاده است و در اینجا اسم برده نشده است که عبارت است از رام هرمز تارسد چهار محال این قطعه را جزء بختیاری نمی خوانند و در جزو عربستان و فارس هیچ جا ذکر نشده است دارای قراء و قصبات و بلوکلان زیادی است که جمعیت زیادی دارد و بواسطه اسم بختیاری محروم شده اند عقیده ام اینست که باید يك نفر بایل بختیاری داده شود و يك نفر بسایر قراء و قصبات بختیاری که خاک مسمی بختیاری است

بهجت - بنده پیشنهاد مشتمل بر دو قسمت بود یکی راجع بود بتعیین مرکز و یکی راجع بدهد در هر دو توضیح بدهم یا فقط در عده

رئیس - در عده توضیح بدهید بهجت - در باب عده چیزی که لازم است که خاطر نمایندگان را مستحضر بسکم اینست که بختیاری که میگوئیم نباید ایل بختیاری را فقط در

نظر بگیریم باید بختیاری که میگوئیم در نظر بگیریم که چندین بلوک بزرگ هم هست و آن بلوک بزرگ بختیاری چهار سنگ است و بختیاری هفت سنگ و اما اینکه خواسته باشیم رام هرمز را زیاد بکنیم رام هرمز جزء بند ناصری است و جزء عربستان انتخاب خواهند کرد و نماینده حکومت عربستان هم اینجا هست و قسمت گرمسیری ایلات بختیاری مال امیر است که چهار فرسخ است از خاک بختیاری تا ناصری و دمهات و همارات و بلوکلان و آبادی زیاد دارد و همان جا خوب است که محل انتخابات بختیاری را قرار بدهند مقصود اینست که ما نمیتوانیم آن ها را با هم جمع کنیم و انتخاب جمعی بکنیم بجهت اینکه يك اختلاف کلمه بروز خواهد کرد بین آنها باینجهت دوتنر لازم است و در مال امیر که عرض کردم اگر انتخاب باشد بجهت اینکه انتخابات در زمستان معمول میشود و ایسل بختیاری تمام در زمستان مال امیر هستند

همرز اوایس - بعد از آن توضیحاتی که داده شده دیگر چیزی برای بنده باقی نمانده است که عرض کنم در زمان گذشته دیدم که ایل بختیاری نفر نماینده نفر ستاده و گویا بملت همان اشکالی باشد که در انتخابات آنها است که اسباب اختلاف میشود و از آن طرف هم مجلس خیلی مایل است و می خواهد که در مجلس نماینده ایلات باشد بکنفرم میسر نمیشود و عده آنها هم از قراری که اغلب آقایان میگویند و خود بنده هم دیدم و عبور کردم از آنجا گمان نمیکنم که چیزی ما را مانع کند از اینست که بآنها دوتنر نماینده بدهیم

ذکاء المملک - اینجا بعضی چیزها گفته شد کلارم است یادآوری بکنیم در خصوص رام هرمز که فرمودند جزء عربستان است و اگر بنا شود که آنها را مجری کنیم از هر بستان آنوقت تردید پیدا میکنیم که آیا مجلس موافق خواهد بود که برای عربستان یک نفر زیاد شود برای اینکه در اینصورت يك حوزه از عربستان تخرج میشود اینک باید به بختیاری از باب خدمتی که کرده است یک نفر نماینده زیادتز حق دارد سابقاً هم مذاکره شد و عرض کردم کدر قلم تعیین نمایند از برای حوزه های انتخابیه هیچ نظر بخدمات نداریم والا اگر بنا باشد که نظر بخدمات بکنیم آنوقت باید خیلی بیش از اینها بآنها نماینده بدهیم پس همان طور که در آذربایجان نظر بخدماتشان نکردیم فقط نظر بده کردیم در اینجا هم نظر بده بکنیم حالا اگر معذک آقایان نمایندگان نظرشان بایشان باشد که وضع بختیاری مقتضی است که دوتنر نماینده داشته باشد بنده اصراری ندارم ولی این دلایلی که ذکر شد از برای داشتن دوتنر نماینده بنظر بنده کافی نبود و هیچ ربط هم بخدمات بختیاری ندارد و باید خدمات ایل جلیل بختیاری را تماماً منظور داشته باشیم که عملاً در مواقع خودش بروز داد

رئیس - در قمره باید رای بگیریم یکی در خصوص عده نماینده بختیاری یکی اگر تصویب نشد در باب پیشنهاد آقای آقامیرزا مرتضی قلیخان همرز اوایس - اختطای دارم ماده (۱۴) نظامنامه انتخابات را بخواهند (ماده مزبور عبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۱۴) ایلات عده موافق حوزه بندی انتخابات هر کدام يك نماینده مستقیماً بصورت مجلس شورای ملی میفرستند و سایر ایلاتی که اسم آنها برده نشده در عضو هر حوزه که هستند رای خواهند داد

رئیس - منافاتی ندارد برای اینکه تا وقتی که رای در کلیات نداریم هر ماده را خواهند تغییر بدهند ممکن است

معزز المملک - در اینصورت عرضی ندارم

رئیس - رای میکنیم در پیشنهاد هائیکه دوتنر برای بختیاری تعیین کرده اند آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (بعضی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

بهجت - سوء تفاهمی شده است اجازه میفرماید (رئیس - بفرماید)

بهجت - چون قانوناً حق ما اجازه میفرماید بختیاری چهار لنگ دوم است یکی نزدیک خاک بر جردی واقع است و یکی واقع شده است دو خاک بختیاری تا انتهای بندر ناصری

رئیس - این سوء تفاهم نبود - بهجت - اشتباهی شده بود خواستم رفع شود

رئیس - چیزی که در نظامنامه نوشته شده است راجع باشباه نیست مرکز حوزه انتخابات را توضیح بدهید

نمود و شاید این قانون انتخابات را که ما اینجا وضع میکنیم يك سمت مدیدی باقی بماند و بعداً این نظر در انتخابات تغییر بکند پس باین واسطه بنده بقیده خودم بهتر می دانم که ما اینجا مرکز انتخابات ایلات را تعیین نکنیم و اگر باز هم لازم میدانید اگر بنویسید که تعیین حکومت و وزارت داخله باز آن يك چیزی است که البته وزارت داخله ملاحظاتی لازمه را در هر موقع خواهد کرد و هر جا را که شایسته است معین میکنند

رئیس - رای میکنیم به پیشنهاد آقای - بهجت که پیشنهاد کرده اند مرکز انتخابات بختیاری ها در مال امیر باشد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد اصلاح لواء الدوله (اصلاح آقای لواء الدوله مجدداً قرائت شد) - لواء الدوله - اگر چه در حوزه بندی بر جرد و خرم آباد پشتکوه و بیش کوه ذکر شده و بآنها هم در ضمن حق انتخاب داده اند ولی باسم امنیت بآنها حق انتخاب نداده اند و از آن طرف در ماده ۱۶ مینویسد که ایلات عده و بقیه است که لرستان خیای عده است و يك دلیل دیگر دارد که يك اهمیت سیاسی هم دارد که پشتکوه و بیشکوه یک نفر نماینده بدهند خیلی خوب است

ذکاء المملک - خودشان فرمودند که پشتکوه و بیشکوه جزو حوزه بر جرد و خرم آباد ذکر شده علاوه بر این بنده تصور میکنم پشتکوه و بیشکوه نتواند یک نفر نماینده بفرستد اینجا

رئیس - رای میکنیم به پیشنهاد آقای لواء الدوله آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - پیشنهاد آقایان حاج آقا و حاج عز المملک خواننده میشود (به ترتیب ذیل خوانده شد)

(۱) از طرف آقای حاج آقا - بنده پیشنهاد میکنم که محل انتخابات ایلات را بنظر حکام و مأمورین وزیر داخله واگذار کنند

(۲) از طرف آقای حاج عز المملک - بنده پیشنهاد میکنم مرکز حوزه انتخابات ثلاث بنظر و تعیین وزارت داخله نوشته شود

نظری را که ما در باب وکیل داریم بدست نخواهد آمد و يك بیشکاری بجهت يك ایلخانی در مجلس شورای ملی که بزرگترین مقام دولت است درست کرده ایم پس لابد هستیم کاین مطلب را عرض کنم که مایک مداخله بوزارت داخله یا حکومت در باب تعیین مجال و ترتیب انتخاب بدهیم که تمام از طرف انتخاباتی نباشند که يك نفر و با چندین مهر معین بکنند و بفرستند ب مجلس شورای ملی از این جهت این پیشنهاد را کردم و نقطه نظر خود را عرض کردم که آقایان متوجه باشند حالا میخوانند رای بدهند میخوانند ندهند

حاج عز المملک - بنده تعجب میکنم که آقای حاج آقا میفرمایند ترتیب انتخاب بنظر وزارت داخله است ترتیب انتخاب همان است دوماه در این قانون معین کرده ایم هیچ فرقی ندارد بختیاری یا غیر بختیاری وقتیکه نماینده میخواهیم انتخاب بکنیم نظری نداریم که ایلات هستند یا غیر ایلات وقتی گفتیم بختیاری مثل اینست که گفته ایم عراق دیگر محتاج بچیزی که بآید بطور حاضر شوند و انتخاب بکنند و رای بدهند ندارد و در اینجا چیزی که هست تعیین مرکز است که باید مثل سایر نقاط تعیین شود و این راهم بنویسند به تعیین وزارت داخله خواهد بود و بعد از آنکه بنظر وزارت داخله واگذار کردیم در هر موقع مرکز آنها تعیین شد سایر ترتیبات انتخاب آنها مثل سایر افراد است و فرقی بین ایلات و سایر ایلات نیست

رئیس - در این دو فقره پیشنهاد میگویند

ذکاء المملک - تعیین وزارت داخله را در مرکز حوزه قبول دارم نوشته بشود

رئیس - پیشنهاد آقای حاج آقا قبول دارید؟

ذکاء المملک - خیر

رئیس - رای میکنیم به پیشنهاد آقای حاج آقا آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)

رئیس - رای میکنیم باین ترتیب که خواننده شد آقایانیکه تصویب می کنند عقیم نمایند (اغلب قیام کردند)

رئیس - تصویب شد - ملل متنوعه - ملل متنوعه - پنج نفر - ارامنه - ۳ نفر - زردشتی - ۱ نفر - کلیبی - یک نفر - کلدانی یک نفر

رئیس - در قسمت اول که ارامنه را دو نفر نوشته اند مخالفی هست؟

حاج شیخعلی - بله ملل متنوعه پنج نفر و حال آنکه اگر ملل متنوعه را ملاحظه کنید در مملکت ما سه ملت است که عبارت از مسیحی و زردشتی و ربیطی بعمل ندادند دو ملت اسلام هم شب مختلفه هست و ملت مسیحی را آنچه بنده تحقیق کرده ام و معلوم شده است از هشتاد و پنج الی نود هزار بیشتر نیستند که شصت هزار آنها ارامنه هستند بیست و پنج سی هزار یا بیشتر یا کمتر آنها کلدانی هستند اگر مقصود ملت است که باید نماینده داد باید یک کلدانی و ارامنه يك نفر وکیل داد در حالی که عده آنها بصد هزار نفر است و ما در اینجا هیچ ملاحظه هم از بابت عده در ایشان نکرده ایم بواسطه اینکه در عده ما از صد هزار هم بیشتر باشد یعنی صد ده هزار یک نفر نماینده داده شد بولایات اگر رجوع کنند بجزوه بندی ها تصدیق خواهند کرد که صد ده هزار صد و بیست هزار يك نفر داده شده و در حقوق سیاسی و مملکتی همه مساویند و هیچ دلیلی پیدا نکردم بنده که باید بملت مسیحی سه نفر وکیل داده شود بواسطه اینکه عده آنها بصد هزار نفر است چه جای اینکه بیصد هزار برسد فقط حرفیکه خواهد شد این خواهد بود که مادری میبهم هر قدر شده صحیح است شاید مسیحی آنوقت استفاده بیشتر میکنند از حقوقشان اما آنوقت ملت کلیبی و زردشتی حقوق آنها با اعمال خواهند شد و آنها نمیتوانند استفاده از حقوق خودشان بکنند و ما باید نظر بدهد آنها نکرده ایم برای اینکه حقوق آنها در امور سیاسی محفوظ باشد بپهريك از ملل متنوعه حتی یک نفر وکیل دادیم ام از اینکه بصد هزار یا سه یا نرسند حالا اگر ملت مسیحی بخواهند تمسک باین بشود چون بملت زردشتی ۲۰ هزار نفرند یک نفر داده میشود بپادو نفر داده شود این دلیل منطقی نیست چون اصل مطلب را که ملاحظه کردیم این بود که بهر صد هزار و صد ده هزار نفر يك نماینده داده شود ولی چون حقوق بعضی از آنها با اعمال میشد اگر نظر بدهد میداشتیم لهذا بهر کدام از ملل يك نظر داده شد حالا من نمیدانم چطور بپوش يك نفر سه نفر تصویب کرد و حال آن که کلدانی و مسیحی همه شان بصد هزار نفر نرسند و يك ملت هم هستند

رئیس - در این چه میگویند

ذکاء المملک - رام هرمز در جزو عربستان نوشته شد

رئیس - رای میکنیم در این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلبی قیام نکردند)

رئیس - قابل توجه نشد (ایلات مجدداً با اصلاحی که شد قرائت میشود) (به ترتیب ذیل قرائت شد) ایلات پنج نفر - بختیاری یک نفر - شاهسون یک نفر - ترکمان - ایوت کرگلان - یک نفر قشقایی یک نفر - ایلات خسه فارس یک نفر - مرکز حوزه انتخابیه به تعیین وزارت داخله

ذکاء المملک - در شور اول هم مذاکره شد که اگر نماینده که میبهم بذهب و شریعت يك حقوق میبهم هم بنظر است که میفرماید آنوقت باید به تمام ملت مسیحی که از هر طایفه باشند یک نفر بدهیم ولی اینطور نیست کلدانیها غیر از مسیحی هستند بگقوم دیگری هستند که غیر از ارامنه میباشند و اما در خصوص ارامنه که دو نفر داده شده نمایندگان

البته سابقه را مسبقه و مذاکره ایستاده است  
مطلعه دیگر بنده لازم به تکرار نماند  
عرض میکنم کلدانی و ازمنی بهیچوجه باهم مخالفت  
ندارند و بهیچوجه نمیشود این دو طایفه را شریک کرد  
و ممکن نیست با یکدیگر مشارکت نمایند

**آقا میرزا یانسی**

در شور اول در این  
ماده آقای حاج شیخعلی همین فرمایش را کردند و  
جواب هم شنیدند امروز که دفعه ثانی است دلین  
ناوی جدیدی نیاوردند که بنده جواب بدمم امروز  
عرض کردم حالا هم عرض میکنم که ارامنه بهیچوجه  
من الوجوه نمیخواهند یک ملت مجزائی بشوند  
آنها میخواهند در حقوق و وظایف ملکیتی بانام  
اهالی این مملکت هم رنگ شوند آیا آن ها انتخاب  
شوند یا نشوند مثل انتخاب بزرگ خراسان و غیره  
در این خصوص هم پیشنهادی کردم در وقت خواندن  
توضیح خواهم داد ولی حالا بعضی جواب ها باید  
به آقای شیخعلی بدهیم قبل از اینکه از اینجا  
( کرسی نطق ) بروم و آن این است که فرمودند  
اگر ما همه حق میبیم که با سوره بیاید انتخاب کنند  
آنوقت بعضی از ملل که مقصودشان ارامنه بود پیش  
از حق خودشان استفاده خواهند کرد و بعضی دیگر  
که مقصودشان زردشتی و کلیبی بود از حق خودشان  
استفاده نخواهند کرد بنده نمیدانم حق را چه گمان  
کرده اند حق در انتخاب همان انتخاب کردن است  
نه انتخاب شدن هر کس که لایق است انتخاب میشود  
اعم از اینکه ارمنی یا زردشتی یا کلیبی باشد اگر  
بجز ارمنی یا زردشتی یا کلیبی بود ورقه انتخاب  
خودش را بپندارد و هر کس را دلش میخواهد بپندرد  
بپندارد از حق خودش را استفاده نکرده است دیگر  
لازم نیست که نماینده او بیاید شاید ممکن است تمام  
ارامنه یک نفر مسلمان را انتخاب کنند و از منی انتخاب  
نشود اینرا نمیشود گفت ارامنه از حق خودشان استفاده  
نکرده اند ممکن است که هیچ ارمنی وارد مجلس  
شورای ملی نشود و همینقدر که شرکت در رأی کرد  
و ورقه رأی خودش را داد بحق خودش رسیده است  
انتخاب نشد نشد استفاده کردن از حق مخصوصاً

میخواهم به آقا حاج شیخعلی عرض کنم انتخاب کردن  
است نه انتخاب شدن در صورتیکه هر کس از زردشتی  
ارمنی کلیبی بود انتخاب کنند او استفاده از حق  
خودش کرده است اعم از اینکه انتخاب شود یا  
نشود یک مطلب دیگری فرمودند که خودشان تحقیق  
کرده اند عه ارامنه و کلدانی بعد هزار نفر  
بنده خواهش دارم که فرمایند از چه راه تحقیق  
کرده اند و دانسته اند ایشان که نمیدانند در محله  
خودشان چند نفر نفوس هست چطور عده ارمنی و  
کلدانی را معین کرده اند در دفاتر دولتی که هیچ  
حسابی و کتابی نیست که عده آنها را معین بکنند  
بنده که خود ارمنی هستم از همین عده ارمنی شك  
دارم آقای حاج شیخعلی چطور فهمیدند که عده  
اینقدر است .

**معین الرعایا**

بنده شخصاً معیناً بهیچوجه نمیست  
خوبشخته اند ادا اهالی آذربایجان مخصوص تیریز که هیچ فرق  
بین افراد شمالی یا جنوبی هر که را برادر و هر دو  
را متساوی الحقوق میدانند الا اینکه مجلس شورای  
ملی برای پیشرفت اساس مشروطیت و حکومت ملی  
بعضی محلهها و بعضی دسته ها و ایالات را باید اهمیت

مخصوص بدهد منجمله ملت نجیب است بنده هیچ -  
وقت خدمات مالی و جانی آنها را در راه مشروطیت  
فراموش نمیکند و بنده این دو نفر وکیل را برای  
ارامنه زیاد نمیدانم و بعضی توضیحات آقای میرزا  
یانسی دادند که دیگر بنده عرض نمیکند .

**رئیس**

گویا مذاکرات در این باب کافی  
باشد ( گفتگافی است ) - فقره دیگر - زردشتی  
یک نفر .

**رئیس**

مخالفی نیست ؟ ( مخالفی نبود فقره  
دیگر - کلیبی یک نفر .

**رئیس**

مخالفی نیست ( مخالفی نبود ) فقره  
دیگر کلدانی یک نفر - جمعاً پنج نفر .

**رئیس**

مخالفی نیست ( اظهاری نشد )  
پیشنهادها قرائت میشود ( پیشنهاد از طرف حاج  
شیخ علی ) .

بنده پیشنهاد میکنم که بدلیل منوعه چهار نفر  
وکیل داده شود - ارامنه یک نفر - کلدانی یک نفر  
کلیبی یک نفر - زردشتی یک نفر - از طرف محمد  
بروردی - بنده در ملل منوعه پیشنهاد میکنم  
سه نفر برای آنها معین شود - ارمنی یک نفر زردشتی  
یک نفر - کلیبی یک نفر - از طرف لواء الدوله بنده  
پیشنهاد میکنم که از طایفه کلدانی با ارامنه یک نفر  
وکیل انتخاب شود ( از طرف حاج سید ابراهیم )  
بنده پیشنهاد میکنم که ملل منوعه اینقسم معین شود  
ارامنه و کلدانی دو نفر - زردشتی یک نفر - کلیبی  
یک نفر - ( از طرف بخت ) - بنده پیشنهاد میکنم که  
مرکز انتخابات ملل منوعه بپایتخت باشد ( از طرف  
آقا سید حسن مدرس ) - بنده پیشنهاد میکنم ارامنه  
با کلدانی یک نفر ( از طرف آقا میرزا یانسی ) بنده  
پیشنهاد میکنم که ملل منوعه از سایر اهالی مملکت  
در موقع انتخابات مجزی نشوند با سایرین حق انتخاب  
کردن و انتخاب شدن را داشته باشند .

**رئیس**

پیشنهاد آقا میرزا یانسی حق تقدم  
دارد باید اول در این رأی بگیریم بجهت اینکه  
اگر قبول شد محتاج سایر پیشنهادها نخواهیم بود  
آقا میرزا یانسی توضیحی دارید بفرمایند .

**آقا میرزا یانسی**

در هر ممکنی در روی  
زمین ملل مختلفه از هر عقیده و هر مذهب هست از  
سابق هم همینطور بوده است که از جهت نژاد و از  
جهت مذهب مختلف بوده اند این مسئله بجهت  
سیاسیون تاریخی و سیاسیون حلیه همیشه اسباب خیال  
شده است که ما چکار بکنیم که تمام اهالی مملکت ما  
یک رنگ باشند که با بنوا ساجه قوه مازاد بشود برای  
اینستکه بدشمن غالب شویم بجهت اینکه معلوم است  
هر مملکتی بی دشمن نیست ولی نظر به عالم سیاسی  
عقل حکم میکند برای حفظ مملکت در داخله مملکت  
هر یکی باشند که بجهت دفاع از دشمن خارجی قوتش  
زیاد باشد و همه بیک عقیده باشند برای این مسئله  
سیاسیون تاریخی فکر کرده اند چه بکنند که تمام  
اهالی یک رنگ باشند برای این مسئله چندین انتخابات  
بزرگتر کرده اند که بدکله یک قالبی پیدا شود که  
تمام اهالی در آن بروند این قالب یک وقتی مذهب  
بود چنانچه یک وقتی اهالی فرانسه در مملکت  
خودشان گفتند مملکت فرانسه هر کس غیر از کاتولیک  
باشد باید همه را کشت چقدر خون ریزی ها شد  
مقصود این بود که همه یک رنگ باشند این مسئله پیش

نرفت آمدند قالیهای دیگر پیدا کردند از قبیل  
زبان و تمدن باز پیش نرفت و آن قالب را از قرار  
که طوایف مختلفه فرض کرده اند اینست که هر طایفه  
میخواهد وجود خودش را در روی زمین نگاهدارد  
و آخرین قالیبکه فرض میشود اینست که تمام اهالی یک  
وطن هستیم در این مسئله دیگر هیچکس مخالفت  
ندارد که بنده این اهل وطن هستم شیا هم اهل این وطن  
هستید از هر نژادی و هر فرقه که هست تمام اهل این  
وطن هستیم در این کسی نمیتواند مخالفت کند و آن  
ممالیکه پیش نبرده اند یک رنگ بودن اهالی و قالی  
برای اینکار ریخته اند تساری حقوق است که هر کس  
اهل این مملکت است در حقوق تساری است یکی  
از آن اسبابیکه اهل مملکت را متحد و مساوی میکند  
بامدیگر حقوق سیاسی است و در جاهاییکه مشروطیت  
است آن حقوق سیاسی مجلس است بنده وقتی  
پیشنهاد میکنم که تمام اهالی این مملکت را بلا استثناء  
نژاد باهم انتخاب بکنند و انتخاب بشوند از آن نظر  
سیاسی است که تمام باهم یکی شوند که هموطنان  
این مملکت در یک قالب باشند و گمان میکنم کسیکه این  
مملکت و این وطن را دوست دارد مخالفت با این مسئله بکند  
یک اتحادی بنده که این اتحاد در مقابل دشمن از  
هم کسبخته نشود و محکم بماند که کار پیش برود یک  
چیز دیگری هم هست و تنبیه قانون انتخابات را  
آدم میخواند می بیند که یک قانون مفصلی نوشته  
شده است و بجهت هر ماده راجع به انتخابات شرح  
مفصلی نوشته اند بجهت نمایندگان بعد از آن آخوش  
که میرسد در آن زمین نشسته اند که ملل منوعه هر کدام  
مثلاً یک نفر انتخاب کنند این همچو میانند که هر کس  
بخواهد میفهمد که یک التفاتی است که کرده اند این  
ملل یعنی شاهام بیاید یک نفر را انتخاب کنند و  
بفرستند در ملت خودمان بگویند که چه چیز است بنده  
عقیده ام این است که مسئله التفات باشد ملل منوعه  
یک وظیفه معین و یک حق معینی گویا داشته باشند  
که تمام اهالی این مملکت بر خودشان حتم میدانند  
که اجراء بدارند آنها هم بر کردن خودشان لازم  
بدانند و آن حقی هم که تمام اهالی یعنی اکثریت  
این مملکت حق خودشان میدانند حق خودشان  
بدانند مقصود این است که در انتخابات مساوی باشند  
و انتخاب شدن هم مساوی حالا از ارمنی انتخاب  
نشد و در این مجلس دارا نشد هیچ عیب ندارد  
یک نفر مسلمان انتخاب شود بجای ارامنه و مجلس  
وارد شد

**ذکاء الملک**

فرمایشات آقا میرزا یانسی  
را بنده تصدیق میکنم از این جهت که باید تمام اهالی  
این مملکت باهم اتحاد کامل داشته باشند اما گمان  
میکند که سیاسیون ما و مجلس شورای سابق و کسانیکه  
قانون انتخابات را نوشتند و کسانیکه قانون حالیه  
را می نویسند همین نظر نماینده مخصوص دارند برای  
ملل منوعه یعنی امروزه حال دفاعی و وطنی و اخلاقی  
اهل این مملکت را بطوری ملاحظه کردند از برای  
اینستکه کاملاً هم موافق و متحد باشند متضی دیدند  
که هر یک از ملل نماینده مخصوص داشته  
باشند و شاید هم بکوفتی متضی باشد باز تاریخی  
که آقا میرزا یانسی فرمودند رفتار شود ولی امروز  
با آن سوابیکه در پیش بوده است با خیالاتی که در

انها ان است و با نظریاتی که در پیش بوده است اینطور  
متضی دانسته اند حالا تحمیل ایشان از طرف ملت  
ارامنه مطمئن هستند که آنها اگر شریک شوند با  
مردم دیگر از سکنه ایران و اگر اینطور پیش آمد  
که آنها یک نماینده مخصوصی نداشته باشند و اتفاقاً  
ترتیب انتخاب اینطور پیش آمده که از خود ارامنه  
و کلیبی انتخاب نشد یا مثلاً اگر مسلمان نماینده آنها  
باشد خرجی نداشته باشند شاید هم بخواهند بکوفتی  
مسلمان را نماینده خودشان قرار بدهند بوجوب این  
قانون هیچ مانعی نیست همچنین زردشتی ها و کلیبی ها  
اما از کجا که در مورد سایر ملل منوعه اینطور  
باشد از کجا معلوم شد که اگر حقیقتاً کلیبی ها یک  
نمایند از خودشان نداشته باشند همان توجهی که  
مجلس شورای ملی و مشروطیت حلیه دارند همان  
توجه را باز خواهند داشت پس بطور اجمال بنده  
این مسائل سیاسی را کنار میگذارم و همینقدر عرض  
میکند که با حال حلیه و عقاید حلیه همان مقصود  
ایشان که آرا تمام سکنه این مملکت باشد اینطور  
حاصل میشود که از هر کدام از ملل منوعه یک نفر  
نمایند در مجلس باشد .

**رئیس**

رأی میگیریم بقابل توجه بودن  
پیشنهاد آقا میرزا یانسی آقایانیکه قابل توجه میدانند  
قیام نمایند ( معدودی قیام نمودند )

**رئیس**

قابل توجه نشد راجع به نمایندگان  
ارامنه چند نفر پیشنهاد شده است که کلدانی و ارامنه  
یک نفر باشند یک پیشنهادی از طرف آقای حاج سید  
ابراهیم شده است که ارامنه و کلدانی دو نفر یک پیشنهاد  
هم از طرف آقای حاج شیخعلی شده است مسیحیها  
دو نفر آقای حاج شیخعلی راجع به پیشنهاد خودتان  
توضیحی دارید بفرمایند .

**حاج شیخعلی**

چون مدارک انتخابات  
خدمات نیست بفرماید و غیر مهم هم نیست بنده  
تقریباً است همان نظرات سیاسی که آقای ذکاء الملک  
فرمودند که تفکیک شده است انتخابات ملل منوعه  
باز باید بکفتری رعایت عده بشود و اگر از خود  
میرزا یانسی تحقیق بکنیم و وجداناً پرسیم که ملت  
مسیحی سید هزار نفر است خواهند فرمود خیر اگر  
پرسیم دویست هزار نفر است باز خواهند فرمود  
خیر حالا شصت هزار یا هشتاد هزار میشود این را  
هم خودشان درست تحقیق نکردند و اگر بخواهیم  
نظر بخدمات آنها بکنیم پیش از اینها حق خواهند  
داشت آنوقت باید بختباری هم باید سه نفر بفرمایند  
نظر انتخابات نظری است که باید مساوی باشد  
همان خود که نسبت به سایرین ملحوظ شده است  
لهذا پیشنهاد کرده چون تعیین میان ارامنه و  
کلدانی پیدا شده است با آنها یک نفر بکلدانی هم یک  
نفر داد .

**رئیس**

آقای آقا محمد شای توضیح بدهید  
**آقا محمد بروجرشی** - هیئت دولت  
در مجلس و در حدود انتخابات که نظر داشت  
یکی نظر عددی که تقریباً هر صد هزار نفری یک  
نفر معین میکردند و یکی هم نظر فردی است  
بملاحظه ایلات و ملل منوعه دید لایه عده کثیری  
می شود این بود که هر کدام را یک نفر معین کرد  
حالا این دو سقری که معین شده است

بچه نظر بوده است اگر بنظر عددی است همان  
طوریکه حاج شیخعلی و آقا میرزا یانسی فرمودند  
نمیدانم عده چقدر است بنده هم موافق هستم که اهل  
محله خود را دقیقاً نمایند چند نفر است الا اینکه  
در تمام ممالک ایران ما امروز به همین طرز نظر  
تعمینی داشتیم و شهرت را منظور میکردیم حالا  
اگر ده هزار بیست هزار کم و زیاد می شده است  
مسئله دیگر است ولی اینجا اگر نظر بملل منوعه  
دارند که خیلی خوب است و این خواهش یک معنی  
است که یک نفر لازم دارد چنانچه زردشتی میخواهد  
کلیبی بخواهد اگر اینست که بعد ملاحظه کنند  
عده را نمیشود در ارامنه ملحوظ کرد ولی در  
زردشتی ملاحظه نکرد بجهت اینکه عده زردشتی  
و کلیبی کمتر از ارامنی است و فرض کنیم ارامنه  
علاوه تر از صد هزار هستند مثلاً بیست سی هزار  
علاوه تر هستند باز نمیشود که دو نفر وکیل دادحالا  
که عده راه ندارد و از سایرین همین طور ملتی  
میگیرند این صورتی ندارد که زیاد کنیم و بنده  
یک نفر را بیشتر برای ارمنی و کلدانی تصویب نمیکند  
سایر مللی هم که هست همین طور هر کدام یک  
نفر بنده اعتباری در بین نمیبینم .

**رئیس**

عقیده کمیسیون چیست ؟  
**هخیر** - نمیتوانم بپذیرم .

**رئیس**

رأی میگیریم پیشنهاد حاج شیخعلی  
و آقا محمد که یک نفر برای ارامنه تعیین کرده اند  
آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند - ( معدودی  
قیام کردند ) .

**رئیس**

قابل توجه نشد آقای مدرس و  
لواء الدوله پیشنهاد کردند که ارامنه و کلدانی هر  
دو نفر یک نفر آقای مدرس توضیح دارید بفرمایند  
**آقا سید حسن مدرس** - اولاً تصدیق  
میکند آن فرمایشی را که آقای هخیر فرمودند که  
حقیقت سیاسی همین است که در این مجلس مقدس  
سه نفر نماینده از ملل ثلاثه تشریف داشته باشند  
این حق اتحاد و یکگانگی است ، انشاء الله رحمن  
همیشه همین ملاحظه خواهد شد اما باقی قاعده را  
بهم زدن قفسه میخواهد و دلیل اگر فرساده آنها  
پنج هزار نفر هم بود همین حق را بآنها میدادند و  
از اول قانون انتخابات الی الآن مطالب تعمینی  
شد تعمینی درست در دست نبود لهذا بنده پیشنهاد  
کرده ام که این طایفه نصار را که کلدانی هم  
جزء آنها است شاید تعییناً هم نمیدانم چقدر هستند  
ولی استعفاء خودمان که خبر داریم که تقریباً در  
جلفا و فرین شاید جمعیشان بیست و پنج هزار  
سی هزار برسد و لیکن اگر عده تمام آنها هم همین  
بود باز یک نفر نماینده بآنها میدادیم که یک نفر  
وکیل از خودشان معین کنند که با خودشان هم عقیده  
باشد که مثل خودمان در تمام امورات رفتار بکنند  
لهذا بنده پیشنهاد کردم که بجهت ارامنه و کلدانی  
نیاید جدا وکیل انتخاب کنند و جدا ذکرشان کنند  
چون سابقاً علیحده ذکر کردند در میان مسلمانان  
هم طوایف مختلف هست طوایف ناممکنی یک نفری  
است که اختلاف شاید نسبتاً بکلدانی یا مسیحی  
بیشتر باشد و ما آنها را جدا نمیکند و نباید هم  
فرق را تجزیه بکنیم و تجزیه مضر است لهذا

پیشنهاد کردم که ارامنه و کلدانی نامشان یک نفر  
وکیل ندهند .  
**رئیس** - آقای لواء الدوله شاهام در پیشنهاد  
خودتان توضیح بدهید .  
**لواء الدوله** - عرض کنم اینجا بعضی از  
آقایان تمسک میشوند به نژاد گمان میکنند که اگر  
ما بخواهیم ملاحظه نژاد را بکنیم باید سید و بیست  
نفر وکیل مجلس را بدو قسمت بکنیم بجهت این که  
نصفان مشروطه هستیم و نصفان مستبد نژاد هم فرق  
ندارد و ایندلیل نشد که نژاد مختلف است با نجهت  
بنده تصور نمیکند که عده آنها از بیست هزار سی  
هزار همینطور که فرمودند در جلفای اسفهان و فرین  
بیشتر نباشد سایر جاها هم اینقدر هست پس میان  
اینجا نباید گفت تمسک کرد به بنیاد ایلات را یکی -  
شان بیست هزار نفر هستند یک نفر میدهند یکی شان  
دویست هزار نفر هستند یک نفر وکیل میدهند این  
است که عقیده بنده این است که هر چه هستند نظر  
بنده باشد حقیقتاً یک نفر است نظر طایفه هم باشد  
یک نفر است .

**رئیس**

آی میگیریم با اینکه پیشنهادی که  
از هر طایفه یک نفر پیشنهاد کردند آقایانیکه قابل  
توجه میدانند قیام نمایند ( معدودی قیام کردند ) .

**رئیس**

قابل توجه نشد آقای حاج سید  
ابراهیم پیشنهاد کرده اند که ارامنه و کلدانی باهم  
دو نفر باشد توضیح دارید .

**حاج سید ابراهیم**

نظامنامه انتخابات  
بیشتر که مراعات ملل منوعه شده بود چهار نفر  
وکیل داده بودند و این مجامعانی که از ملل منوعه  
خصوص ارامنه شده است نمیشود از آئین کاست  
اگر چه سایر ملل هم برای مشروطه خدمت کرده اند  
خاصه ملت زردشتی که آنهم خیلی خدمت کرده  
است باین نظر در ملت ارامنه که کلدانی هم جزء  
باشد بنده دو نفر را پیشنهاد کرد امون بجز فرار از نامیدانم  
لکن همانطور که آقای آقا میرزا یانسی فرمودند  
که باید چنانچه در حقوق سیاسی و تجارتی تمام اهالی و افراد  
مشترک الحقوق هستند ملت ارامنه هم باید متساوی  
باشد عرض میکنم ما باید سه اول را برداریم اگر  
خوب دیدیم باز اقدام میکنیم یعنی اول طوایف  
یکساعت را شریک میکنیم در انتخابات اگر خوب  
دیدیم آنوقت بالاتر میرویم و اگر خوب ندیدیم  
تفکیک میکنیم و این طوریکه بنده پیشنهاد کرده ام  
برای مسیحی اعم از کلدانی و ارمنی دو نفر وکیل  
بدهند که تقریباً مثل انتخاب جمعی است که بعضی  
جاها خواهد شد ممکن است که هر دو از غیر کلدانی  
باشد با اشتراك کلدانی و ما ممکن است هر دو از  
کلدانی باشد در هر حال پاندازه زحمات خودشان همان  
طوریکه میخواهند شده است .

**رئیس**

رأی میگیریم باین پیشنهاد حاج  
سید ابراهیم آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام  
نمایند ( عده قلیلی قیام کردند )

**رئیس**

قابل توجه نشد آقای بهجت توضیح  
دارید بفرمایند .

**بهجت**

در شور اول عرض کردم حالا هم  
متذکر میشود که باید برای انتخابات ملل منوعه  
یک ترتیبی اتخاذ شود در باب ایلات عرض کردم که  
باید بنظر وزارت داخله باشد و معین شد چون بیلاق

وقشلاق میکنند هر طوریکه وزارت داخله صلاح دید  
انتخابات آنها را بعمل بیاورد ولی این نظر را  
ممکن نیست در ملل متوعه تصور بکنیم بجهت اینکه  
اینجا در چند جای مختلف هستند که دارای دهات و  
قبایل است البته يك مركزی باید برای آن فرض  
کرد زردشتی ایرانی یا بنی اسرائیلی ایران این را  
چه مرکزی برایش معین بکنیم لابد باید يك جایی  
را معین بکنیم و بهتر از همه جا طهران است اگر  
این را ملاحظه نکریم آنوقت بجهت اشکالات بزرگ  
دچار خواهیم شد آفتابانیکه انتخاب ملل متوعه را  
ملاحظه کرده اند دیده اند چه گرفتاریها بوده است  
مثلا در همدان اعلان انتخابات داده میشود برای  
بنی اسرائیلی در طهران هم اعلان میدهند دراصفهان  
هم همین طور باید بکجائی جمع شوند این است  
که بنده عرض میکنم يك جایی جمع شوند برای  
اتخاذ اکثریت رأی بدهند مثلا اگر بخوانید همه  
اینجا جمع شوند در تلکرافخانهها که خبر بهمیدر  
بدهند می بینیم این يك اشکال غریبی پیدا خواهد کرد  
وقتیکه بنا باشد يك مسئله در تمام مملکت شوع داشته باشد  
مركزش کجا باید باشد بالطبع بابتخت خواهد بود  
باین واسطه بنده پیشنهاد کردم که مرکز انتخابات  
ملل متوعه بابتخت باشد و البته اعلان انتخابات مستقیماً  
از طرف وزارت داخله خواهد شد و هیئت نظارش  
هم از طرف وزارت داخله خواهد بود لازم نیست  
عرض کنم فقط مرکز انتخابات طهران خواهد شد  
و آنوقت بولایات جزء هم اعلان داده خواهد شد  
زودتر فراهم میشود و اگر غیر از این بکنیم باز دچار  
مضنه خواهیم شد .

**ذکاء الملک** - در خصوص زردشتیها و ارامنه  
مولکبلیها این مطلب را میتوان قبول بکرد ولی در  
کتابها نمیشود بجهت اینکه کلدانیها در يك جاویک  
حوزه معینی هستند و هیچ مناسبت ندارد که بگوئیم  
از آنجا رأی خودشان را بفرستند بطهران و سالی لاقول  
مال کلدانیها را جدا کنیم و ما بقی را در بابتخت قرار  
بدهیم ولی کلبه با اعتقاد بنده این راهم بوزارت داخله  
واگذار کنیم بهتر است .

**رئیس** - رأی میکنیم باصلاح آقای بهجت  
آفتابانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (معدودی  
قیام کردند)

**رئیس** - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای  
حاج شیخ اسدالله ( پیشنهاد مزبور بپسارت ذیل  
قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم که مرکز حوزه انتخاب ملل  
متوعه بنظر وزارت داخله باشد .

**مخیر** - این صحیح است و قبول میکنم .  
**رئیس** - دیگر رأی نمیگیریم چون قبول کردند  
حالا کلبه قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد)  
ارامنه (۲) نفر زردشتی (یک نفر) کلبی (یک نفر)  
کلدانی (یک نفر)

**رئیس** - آفتابانیکه تصویب می کنند  
پنج نفر از ملل متوعه را قیام نمایند ( جمعی  
قیام کردند)

**رئیس** تصویب شد .  
**ذکاء الملک** این باید رجوع شود بکمیسیون

**رئیس** - بله بر میگردد بکمیسیون آقای  
حاج عزالملک سئوالی از معاون وزارت داشتید  
**حاج عزالملک** - سابق اینجا بنده از  
وزارت معارف در خصوص معدن نفت عربستان سئوال  
کردم و همیشه وعده میدادند که ترتیباتی اقدام خواهند  
فرمود که منافع دولت ایران محفوظ باشد بدینخانه هنوز  
مدتی است بنده فائده از این اظهارات ندیده ام حال آنکه  
از آقای معاون سئوال میکنم اقداماتی که در این خصوص  
فرموده اند بفرمایند مسبق شوم .

**معاون وزارت معارف** - اینکه بفرمایند  
مکرر سئوال شده است جوابهایی هم داده شده است  
که راجع به مسئله بوده است ولی راجع باینکه منافع  
دولت محفوظ باشد البته منافع دولت محفوظ است  
بجهت اینکه راپورت هائی که میرسد در هر هفته هر  
ماه ترتیبات آنجا تغییری پیدا نکرده است و با آن  
شرایطی که برای آنها معین شده است هم مخالفتی پیدا  
نکرده است و راپورت هائی هم رسیده است بوکلای  
عربستان تحقیق کرده ام صحیح نداده است بلکه آنجا  
چون مردم درست ملتفت ترتیب عمل تجارت و کثرت  
نیوندن عین آنکارهائی را که گمانی باید بکنند که  
جزو شرایط اوست آنها را مراد آنجا کارهای غریب  
و عجیبی تصور میکنند مثلا عمارتی که او باید بسازد  
یا هیئتوری بعضی ترتیباتیکه برای کارهای کلبانی  
است اینها را چیزی عجیبی و با اساس تازه تصور میکنند  
بعده که تحقیق کردیم هیچ مخالفتی با اساس کار نداشته  
است بعد از اینکه بسیار در این مسئله مذاکره کردیم بآن  
کمیسیونی کدر آنجا هست نوشتیم که رئیس آن  
کمیسیون خودش بیاید در جاهایی که کلبانی بنائی  
کرده است ملاحظه کند و ترتیب کلی آنجا را برای  
ما راپورت بدهد و گویا حرکت کرده است با حرکت  
میکنند که بروند آن ترتیبات را به بنده رسیدگی کند  
و اخیراً راپورت هائی که رسید است خیلی کارهام  
پیشرفت کرده است در آن اراضی تقریباً کارشان  
باتمام رسیده است و کار لوله کشی و غیر ذلکشان هم  
قریب باتمام است تا چند ماه دیگر اصلاح داخل کارو اقمی  
خواهند شد و روهم رفته کاریکه اسباب بدی شود  
از او تصور کردنی نیست و الا اگر چیزی بود  
بر عرض میسرانیدم .

**حاج عزالملک** - بنده چون سئوال کرده  
بودم و نتوانستم بیشتر از این داخل در جزئیات  
شوم هم بقدر خاطر آقای معاون را متوجه میکنم که تمام  
بوعده و وعید بوده است و هیچ اقدام نکرده اند مثلا  
کمیسیون اگر گفته است نظراتشان پیش برود و  
منافع دولت را محفوظ خواهند داشت تمام راجع بملل  
بوده است و هیچ کاری که راجع بمنافع دولت باشد  
از او صادر نشده است و از این من هم حرکت نکرده  
است بنده وسایر نمایندگان عربستان چیزی با اضافه  
نکرده ایم حالا باین ترتیبیکه میفرمائید منتظر  
خواهیم بود که آیا با آن مواعید عمل می شود  
یا خیر .

**رئیس** - دستور پنجشنبه ۲۵ قانون انتخابات  
راپورت کمیسیون بودجه فواید عامه راجع بجزیره  
هرمز ایضاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بمیزرا  
جواد مقتول بکفره راهم فراموش کردم راپورت

کمیسیون بودجه راجع بترجم نظام .  
**لواء الدوله** - در خصوص سیف مجاهد که  
سیف المجاهدین است در جلسه گذشته بابت تکلیف ماند  
مستعدی آنکه جزء دستور بفرمائید این سید خیلی  
بیچاره و مستحق است .  
**حاج شیخ الرئیس** - بنده هم میخواستم  
استدعا کنم که راپورت کمیسیون بودجه راجع بسیف  
المجاهدین جزء دستور شود .  
**رئیس** - پنج شش فقره است که بلا تکلیف  
است تمام را بکمرته جزء دستور میکنم  
**ادیب التجار** - بنده مدتی است راجع باوراق  
مضنه تقاضا نمودم با مضای ۴۰ نفر هیچ چیزی از آنها  
نرسید و آن دو ماده قانونی هم که با مضای ۴۲ نفر  
رسیده است جزء دستور شود روز شنبه وعده  
فرمودند نشد .  
**رئیس** - این قسم مطالب اول باید برود  
کمیسیون مبتکرات بعد بکمیسیون مربوطه بخودش  
بعده جزء دستور میشود قبل از اینکه بکمیسیون برود  
**فرزانه** - بنده تقاضا میکنم که لایحه مابیه  
در باب اموال منقوله دولت جزء دستور شود و تقاضای  
فوریت هم میکنم  
**رئیس** - اینرا باید وزراء حاضر باشند و تقاضای  
فوریت کنند .  
**آقا شیخ غلامحسین** - بنده این قرار داد  
جزیره هرمز را که جزء دستور کرده اند نمیتوانم  
آیا این بنظر خزانه دار کل رسیده است یا خیر .  
چون موافق آن قرار داد و آن ترتیبی که هست  
اینطور امورات باید بنظر خزانه دار کل برسد  
میخواستیم بدانم که اگر بنظر خزانه دار نیامده اند  
بنظر هیئت دولت یا وزیر فواید عامه برسانند تا اینکه  
اسباب زحمت نشود .  
**رئیس** - اینهم در وقتی است که مطرح میشود  
و وزراء حاضر هستند باید اظهار شود .  
**آقامیرزا احمد** - عرض بنده راجع بدستور  
نیست راجع باین است که مکرر در اینجا از هیئت  
رئیس تقاضا شده است آن اسنادیکه بدست آمده و  
در تنظیم هیئت دولت جمع شده آنها را بیاورند که  
ملاحظه شود به بینندگان چه بوده اند که اسباب شده اند  
برای این فتنه و فساد میدانم که از هیئت رئیس اقدام  
نشده است با آنکه هیئت دولت تسامح کرده اند بنده  
استدعا میکنم تا کتبه کنند بوزراء که بیاورند و الا  
نسبت بحق خود استیضاح خواهم کرد .  
**رئیس** - د این مسئله آن روزی که رأی داده  
شد در روز بعد به هیئت دولت نوشته شد ملت تاخیرش  
این بود که آقای ادیب التجار گفته بودند دست نگاه  
بدارید من میخواهم کمیسیون تحقیق در اینباب  
تشکیل شود بنده گفتم که نوشتیم بعد گفت که من  
منصرف شدم حالا باز نوشته ایم گویا در خیال  
جمع آوری هستند بفرستند باز هم یاد آوری میشود  
**ناصر الاسلام** - راجع بآن اظهاری که  
فرمودند چون مطابق قانون حق داشتم در آخر  
مجلس عرض میکنم این است که عرض میکنم و آن  
اخطار قانونی نبود و متوجه بنده نبود زیرا بنده  
بر خلاف مقررات نظم مجلس اظهاری نکردم آن  
چیزی که راجع ببقیه خودم بود در حوزه بندی  
کرمان عرض کردم تا معین نشود در این حورم

بندها نشود رأی داد  
**رئیس** - اولاً حق ندارید دلیل اخطار را  
برسید زیرا در هیچ جای نظامنامه نوشته نشده است  
ثانیاً يك قرار دادی که از اول دادیم که از آن روز  
رفتار کنیم چون شما اصرار داشتید از آن رویه  
برگردیم و باز گفتن از آن رویه خودش موجب اختلال  
مجلس میشد این بود که اخطار کردم و حالا چون  
اطاعت کردید آن اخطار را در حق شما ابقاء  
نمی کنم .  
(مجلس بکساعت و نیم از شب ختم شد)

**جلسه ۱۳۰۹**  
**صورت مشروح جلسه یوم پنجشنبه**  
**بیست و پنجم شهر شوال ۳۲۹**

نایب رئیس - ( آقای میرزا مرتضی قلیخان )  
سه ساعت و چهل و پنج دقیقه قبل از غروب بکرسی  
ریاست جلوس نمود پس از يك ربع جلسه رسماً  
تشکیل یافت .  
( آقا میرزا رضاخان نائینی صورت جلسه یوم  
قبل راقرائت کردند اسامی غائبین جلسه قبل در ضمن  
صورت مجلس ترتیب ذیل قرائت شد )

غائبین بدون اجازه . دهخدا . آقا سید محمد  
باقر ادیب - آفتابانیکه از وقت مقرر تغلف نمودند  
شاهزاد سلیمان میرزا . دکتر اسمعیل خان هر یک  
یکساعت و بیست و پنج دقیقه . ناصر الاسلام ۴۵  
دقیقه . طباطبائی يك ساعت متین السلطنه ۳۵ دقیقه  
**نایب رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی  
هست ؟

**بهجت** - اصلاحی که بنده پیشنهاد کرده  
بودم راجع بود بر سر کتب بختباری یعنی در واقع  
راجع بسوق فرقه بود یکی راجع بود بعده که دو نفر  
بود و یکی هم راجع بر سر کتب انتخابات بود و دیگر  
آنکه عده ملل متوعه اصلاحی پیشنهاد کردم در  
مركز انتخابات و قابل توجه نشد و اینجا قید  
نشده است .

**نایب رئیس** - اصلاح میشود .  
**لواء الدوله** - بنده در خصوص پیشنهاد ایل  
بشکوه عرضم این بود که باسم ایل بشکوه نوشته  
شود یعنی يك نماینده بایل بشکوه داده شود و الا  
میدانم پشت گوه نماینده دارد مقصود عهده من  
بنوان اهمیت بود دیگر آنکه بنده از آقایان  
تند نویسا امتنان دارم ولی طوری نباشد که بهانه  
بدست روزنامه مجلس بیفتد که نوشته است بنده گفته  
ام از چهار مجال تاخوانسار نیم فرسخ است بنده گفتم  
از فریب تاخوانسار نیم فرسخ یسه ربع فرسخ است

**مدرس** - پیشنهاد آقای میرزا یانس این  
بود که ارامنه شرکت کنند در انتخابات با مسلمین و این  
طوری نوشته شده است که برخلافش فهمیده میشود .  
**نایب رئیس** - موافق پیشنهاد اصلاح  
میشود موادی که از قانون انتخاب رجوع شده بود  
بکمیسیون بعضی از آن مواد برگشته است از کمیسیون  
قرائت میشود ( بمبارت ذیل قرائت شد )

کمیسیون انتخابات درموادیکه بضمیمه پیشنهاد  
های چند از طرف آقایان نمایندگان ارجاع بکمیسیون  
شده بود در چندین جلسه مذاکرات بعمل آورده  
نتیجه را از قرار ذیل باطلاع مجلس شورای ملی  
میرساند در ماده سوم از طرف شاهزاده سلیمان میرزا  
پیشنهاد شده بود که شرط علاقه و هابندی از شرایط  
انتخاب کنندگان حذف شود کمیسیون با اکثریت این  
پیشنهاد را قبول کرده در ماده سوم فقط بهمان سه شرط  
اول اکتفا میکنند .  
ماده سوم - انتخاب کنندگان باید دارای  
شرایط ذیل باشند - اول تبعه ایران باشند -  
۲- لا اقل بیست سال داشته باشند ۳ در حوزه انتخابیه  
متوطن یا لا اقل ۶ ماه قبل از موقع انتخاب در آنجا  
ساکن باشند .  
**نایب رئیس** - مخالفی هست ؟  
**حاج آقا** - در راپورت سابق چیزی که بود  
و حالا الفاء کرده اند فقط شرط چهارم بود که دارای  
۱۵۰ تومان علاقه ملکی یا سی و شش تومان عایدی  
سالانه یا پنج تومان مالیات بده باشد و تمام این  
شرایطی شده بود بطوری ترتیب بود یعنی یکی از  
اینها را دارا باشند نه تمام را یا بنظر آنکه اگر  
کسی دارای ۳۶ تومان عایدی سالانه نبود حق  
انتخاب نداشت بوجوب راپورت سابق و هیچکس از  
کسانی که دارای کسب یا شرف باشند در ایران خواه  
در شهر خواه در يك قصبه یا در يك دهی باشند نیست  
که دارای ۳۶ تومان عایدی سالانه نباشد مگر  
کسیکه دارای کسب یا شرفی نباشد یا موقوفه  
دیگری باشد و در این يك مصلحت فوق العاده بود  
و در آن جلسه هم گفته شد که اگر بنا شود ماحق  
بدهیم بکسانی که تابع ممالک دیگر هستند و ممالک آنها  
و امور زندگانی آنها را دیگری متکفل است آنوقت  
بدهی است که این آدمی که نه دارای صدو پنجاه  
تومان علاقه است نه دارا سی و شش تومان عایدی  
است بکلی رایش تابع رأی آنکسی است که امر  
ممالک او با او است و بالطبع رایش هم تابع رأی  
ممالک دهند و است آنوقت ما جلو این مضرت را  
چطور بگیریم با این ملاحظاتی که آنروز هم عرض  
کردم و مخیر که سیروهم عقیده کمیسیون را گفتند  
و مذاکره کردند بنده میدانم که چه شده است که اینرا  
قبول نکرده اند و عرض کردم این سبب میشود که ما  
حق انتخاب بدهیم بکسانی که بالطبع رأی نمیتوانند  
بدهند و نه خودش را داخل انتخاب کردیم .  
**بهجت** - حاصل اظهاراتیکه آقای حاج آقا  
در مخالفت الفاء این سه فقره فرمودند یکی از این  
دو مسئله میشود که در انتخاب شرکت میکنند اشخاصی  
که یا دارای کسب بيشرفته هستند و یا اینکه تحت  
نفوذ دیگری هستند اولاً این را عرض میکنم که  
معاش و کسب بيشرف یقیناً عایدی بيش از سی و شش  
تومان سالانه دارد دیگر آنکه اشخاصی که ممالکشان  
از کسب بيشرف است در نظامنامه بعد خواهید دید  
که اشخاص بيشرف خارج شده اند و معروم شده اند  
از انتخابات و اما در خصوص نفوذ اشخاص نفوذ  
اشخاص هرگز از انتخابات برداشته نخواهد شد و  
این آرزوهاست که درگاه سیاستور عالم مانده است  
و این نفوذ اشخاص در تمام ممالک متعنه هم هست  
حتی نفوذ علمی هم هست بنا براین لازم است خاطر  
آفتابان را مسبق کنیم که شرایط دو قسم است یکی

شرایطی است که در معنی محقق موضوع است یعنی  
در معنی شخص را با رأی میکند یعنی شرط قابلیت  
است و یکی هم شرایط تکمیل است حالا آنشرایطی  
که ملاحظه فرموده اند در راپورت کمیسیون قید شده  
است شرایطی است که باید دارا باشد برای رأی  
دادن که تبعیت ایران و بلوغ باشد آنها را که  
ملاحظه فرمودند و اما آنچه شرایط تکمیل است  
خوبست بگذاریم برای منتخب بعد از اینکه معلوم  
شد که منتخب شخص صالحی باشد رأی دهندگان  
هر کسی میخواهند باشند بگذارید اینطور باشد  
بجهت اینکه هر چه توسعه انتخاب بيشتر باشد اهالی  
مملکت بيشتر علاقه پیدا خواهند کرد بآن اساس  
حاضر بهین جهت کمیسیون رأی داد در الفای این  
شرط و آنشرایطی که هست کافی است شرایط محقق  
و موضوع است و آنشرایط تکمیل است و این هم  
که این شرایط محقق و موضوع را ملاحظه کنند  
وظایف هیئت نظار است که در موقع تفرغه دادن  
اشخاصیکه لایق هستند و معایب در ایشان نمیکند  
که محقق است بآنها تفرغه بدهند و الا این شرایط  
تکمیل را باید فقط برای منتخبین قرار داد .  
**نایب رئیس** - کمال میکنم مذاکره در این  
مواد خیلی شده است و مذاکره کافی شد و رجوع  
شد بکمیسیون و کمیسیون این راپورت را پیشنهاد  
کرده است حالا رأی میکنیم راپورت کمیسیون  
آفتابانیکه موافقت با راپورت کمیسیون یعنی موافقت  
با حذف آن مواد رأی بدهند و آفتابانیکه الفاء آن  
مواد را لازم میدانند رأی نمیدهند حالا آفتابانیکه  
موافقت با راپورت کمیسیون قیام نمایند ( در این  
موقع بعضی اظهار داشتند که مذاکرات بقدر  
کفایت نشده )

**نایب رئیس** - پس رأی میکنیم در کفایت  
و عدم کفایت مذاکرات آفتابانی که مذاکرات را  
کافی میدانند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**نایب رئیس** - معلوم شد که مذاکرات کافی  
است حالا رأی میکنیم در راپورت کمیسیون  
آفتابانی که موافقت با حذف آنشرایط و راپورت  
کمیسیون را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب  
قیام نمودند )

**نایب رئیس** - با اکثریت راپورت کمیسیون  
تصویب شد فقره ثانیه راپورت خوانده میشود ( بمبارت  
ذیل قرائت شد )

در ماده چهار از فقره هفتم چند فقره پیشنهاد  
شده بود راجع بحریمت مرتکبین قتل و سرقت  
و غرهما و يك شرط از طرف آقای ارباب کیخسرو  
راجع بمقتصرین سیاسی پیشنهاد شده بود که الحاق  
شود بالاخره کمیسیون ماده مزبوره را از فقره هشتم  
الی آخر بصورت ذیل تصویب نمود .

۸- مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینیکه متوجوب  
حدود قانونی اسلامی شده اند .

۹- مقصرین سیاسی که بر ضد حکومت و استقلال  
مملکت اقدام کرده اند

۱۰- اهل نظام بری و بحری باسنتنای صاحب  
منصبان اختیاری .

۱۱- مستخدمین امنیه و نظمی در محل خدمت

**نایب رئیس** - ماده چهارم تا فقره هشتم بجزه جزء آن رای گرفته شده است فقره هشتم را رای نکرده ایم رجوع بکمیسیون شد حالا مذاکره میشود .

**مخبر کمیسیون ذکاء الملک** - تجزیه این مواد تقاضا نشده بود و بسایر فقرات هم رای گرفته نشده است و باید رای گرفته شود .

**مهز زالملک** - اگر چه معنا چندان احمیتی ندارد لکن طوری نوشته شده است فقره دهم راجع باهل نظام بری و بحری که قدری توی ذهن میزند یعنی موهم اینستکه از جمله اشخاصی که لایق انتخاب کردن نیستند و مایبی در ایشان تصور میکنند اهل نظام بری و بحری هستند بجهت اینکه بنده از متصرفین سیاسی و غیره نوشته شده است خوب است نوشته شود مشافقی که منافای انتخابست شغل نظامی بری و بحری است اینکه عطف بقدر سابق نشود .

**نایب رئیس** - بطوریکه فرمودید در اینجا هیچ رای گرفته نشده است ( ذکاء الملک - خبر باید از فقره اول رای گرفته شود )

**قایب رئیس** - پس از اول خوانده میشود ( بترتیب ذیل قرائت شد )

ماده ۴ - کسانیکه از حق انتخاب کردن محرومند .

اول - نسوان .

**نایب رئیس** - در جزو اول مخالفی نیست؟ ( اظهاری نشد ) ۲ - اشخاص خارج از رده و آنها که در تحت قیومیت شرعی هستند .

**نایب رئیس** - جزو دوم مخالفی هست؟ ( اظهاری نشد ) ۳ - بزه خارجه .

**نایب رئیس** - مخالفی هست؟ ( اظهاری نشد ) ۴ - اشخاصی که کمتر از بیست سال دارند .

**نایب رئیس** - مخالفی هست ؟

**حاج کیل ابراعا** - بله بنده در شور اول

هم عقیده خود را عرض کردم و جوابیکه عرض بنده داده شد هر چه دقت کردم جواب بنده نبود عرض می کنم هیچ محیط و بصیر و چیزی بهتر از خداوند تبارک و تعالی نیست و خداوند مخلوق خودش را اگر خلق کرده است موقعی هم برای تکلیف او معین کرده است و آن موقع پانزده سال است در مرد بنده می بینم که همین مجلس شورای ملی در قانون اساسی سلطنت مملکت واکه ریاست اجراء باشد در سن هیجده ساله معین کرده است و در مقابل این حق مشروع بنده آنجواب را نباید بگیرم گرفته و میگویم این مخلوقات خدا که از سن پانزده سالگی خداوند آنها را مکلف کرده است چرا تا بیست سالگی انتظار حق مشروع خودشان را بکشند اگر بگویند در این انتخاب کردن تا بیست سال ممکن است بغطا بروند عرض میکنم بنده می بینم امور مهم را در این مملکت باشخاص ۱۷ و ۱۸ ساله سپرده اند علاوه بر کس مخالف است بیاید تا بنده جوابش را عرض بکنم هیچ نمی شود تصور کرد که اطفالیکه از هفت سالگی در مدارس تحصیل کرده اند و با آن قوه فکری که خداوند باو عطا فرموده است ممکن است در چهارده سالگی فارغ التحصیل باشد آتوقت از پانزده سالگی تا هیجده سالگی هم می گوئیم برای تجربه لازم است عرض می کنم مادام که رئیس

اجراء ۱۸ سالگی هم میتواند متصدی این امور باشد چرا در سن شانزده سالگی از این حق مشروع محروم باشند و اگر کسی جواب بنده را میدهد مستصی هستم که جواب منطقی بدهد والا بنده باز همین سؤال را خواهم کرد .

**ذکاء الملک** - بافتقاد بنده در این مواد مذاکره جایز نیست بجهت اینکه در شور دوم مذاکره شد و مذاکرات کافی شد و رجوع بکمیسیون شد حالا در راپورت کمیسیون و آنچه جزئی که مذاکره نشده است خوب است مذاکره شود والا این شور ثابت محسوب خواهد شد و اما جواب حاج و کیل ازها با جواب هائیکه بایشان داده شده است بنظر بنده منطقی بوده است بجهت اینکه آنکسیکه رای میدهد در انتخاب نمایندگان به بینیم چه کار میکند مداخله میکند در امور و اداره کردن یک مملکت حالا خداوند در پانزده سالگی او را مکلف میکند با امور خودش ربطی ندارد که در اداره کردن امور دیگر مان هم باو مداخله بدهیم .

**نایب رئیس** - در این خصوص مذاکرات کافی است جزو ششم را بخوانید ( عبارت ذیل خوانده شد )

۶ - ورشکستگان بضمیر .

**نایب رئیس** - مخالفی هست ( اظهاری نشد ) ۷ - متکذبان و اشخاصیکه بوسایل بی شرفانه تحصیل معاش می نمایند .

**نایب رئیس** - مخالفی هست؟ ( اظهاری نشد )

۸ - مرتکبین قتل و سرقت و سایر متصرفینکه مستوجب حدود قانونی اسلامی شده اند .

**حاج سید ابراهیم** - راپورتی که اول داده

شده بود يك فقره و يك فیه دیگر هم داشت ( و معروفین بارتکاب قتل و سرقت و امثال آن که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند ) و این عبارت قبلم لازم بود بجهت اینکه ممکن است کسی در معرض اقدامات بی شرفانه برآمده باشد و برائت ذمه خود را نکرده باشد و معروف شده باشد چنین شخصی تا اعاده شرف خود نکرده از حق مدنی محروم است حالا آن ذکر شده بند هم چندان مخالفی و اشکالی ندارم لکن اشکالیکه دارم اینستکه مرتکبین قتل و سرقت که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده اند مطلق گفتن و از حق انتخاب ابدالهر محروم کردن هیچ صحیح نیست بجهت اینکه احکام سیاسی ما هر قدر خوب باشد بهتر از قانون بیبیم نخواهد بود و قانون بیبیم ما محدود کرده است باینکه مادامیکه محدود بآن حدود نشده اند مثلا اگر هر کس شرب خمر کرد بعد از آنکه او را حدزد یا توبه کرد دیگر ( جزایاتی ) بر او باقی نیست و همچنین کسیکه مرتکب سرقت شد در دفعه اول و دوم بیک حدی برای او قرار دادند بعد از آنکه آن حد را بر او جاری شد مثل حال قبیل از سرقتش خواهد بود این اشخاص را ما بگوئیم محروم هستند از انتخاب حتی پس از اجرای حد و پس از توبه و پس از رد مظالم ناس ظلم است بنده صحیح نیبدم بجهت اینکه اگر بیابیم همینطور بگوئیم که مطلق ابدالهر از این حقوق محروم است و اگر حد هم خورده باشد و لو توبه هم کرده باشد و از مظالم

خارج شده ابدالهر از حق انتخاب محروم باشد اینرا بنده اشکال دارم و نمی توانم تصویب کنم و در ماده نهم همین اشکال را دارم در موقتش عرض خواهم کرد .

**ذکاء الملک** - بنده از این فرمایش آقای حاج سید ابراهیم خیلی تعجب میکنم نمی فهمم مطلب را کسیکه يك عملی کرده یعنی يك تصیری کرده و مستوجب مجازاتی شده و ما او را محروم می کنیم از حق انتخاب یعنی محروم کردن از حق انتخاب را باین مجازات برای او قرار میدهم یعنی اگر مجازات شد دیگر محروم نمیکند یعنی اگر مجازاتیکه در مملکت است در حق او اجراء شد و بآ شکل مجازات شد دیگر این مجازات نباید بشود بی معنی این حرف این است و حال آنکه اینطور نیست محروم کردن کسی را از انتخاب نه برای مجازات است که او را باین نحو مجازات کرده باشیم این برای این نیست که يك کسی عمل بی شرفانه نکند مثل قتل و سرقت و غیره که وقتی کسی مرتکب یکی از این اعمال شد از خودش سابق شرفی گرفته است و حدیکه زده میشود در مقابل یکی از این اعمال از قبیل قتل و سرقت و غیره آن وقت این آدم يك حیثیتی از خودش ظاهر کرده است که تفاوت دارد با آن ها که این اعمال از آنها صادر نشده است و این تفاوت در انتظار مردم پیدا میشود در شور سابق هم عرض کردم که وقتی کسی عمل بی شرفانه میکند در مجازاتش بدهند توبه هم بکنند دوباره ما بنظر اولی باو نگاه نمیکنیم به همین دلیل او را محروم میکنیم از انتخاب به جهت اینکه این آدم خودش را پست کرده و لایق نیست که مداخله بکند در یک امر بزرگی از امور عامه .

**نایب رئیس** - مذاکرات کفایت ؟

**حاج آقا** - بنده يك سئوالی هم دارم .

**نایب رئیس** - بفرمائید .

**حاج آقا** - در ماده هشت یعنی در شرط هشتم سابقا يك جزو دیگری هم داشت که معروفین بارتکاب قتل و سرقت و امثال آن شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند این يك جمله بکلی حذف شده و مجازات هم تبدیل محدود شده است و این خوب است لکن نظری که کمیسیون در حذف این جمله داشته اند چیست خوب است بفرمائید .

**ذکاء الملک** - این مرتکب قتل و سرقت را نوشتیم که عمومیت داشته باشد و معلوم است که کسیکه معروف بقتل و سرقت است یا بصحت معروف است یا بخلط در هر صورت چطور میشود که کسی معروف بشود بقتل و سرقت در يك مملکتی و در کوچی و بازار راه برود و کسی متعرض او شود البته متعرض او میشوند و او را جلب بمعجزه خواهند کرد یا محکوم میشود یا میشود در صورت محکومیت و اجرای حدود که معلوم است محروم است از این حق و در صورت عدم ثبوت بجهت دلیل او را محروم میکنیم .

**نایب رئیس** - دیگر مخالفی نیست؟ ( اظهاری نشد ) جزو نهم خوانده میشود :

نهم - متصرفین سیاسی که برضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت اقدام کرده اند .

**حاج سید ابراهیم** - بنده در اینباب

لا بد يك قدری مطلب را واضح عرض کنم ما نباید این عبارت هائیکه کشتش دارد در قانون بنویسیم که بهسانه بدست مفرضین داده شود که اعمال غرض نیکند بلکه اصلان باید این عبارات را بنویسیم والا بدست معصوم هم بدیم هیچ منافاتی ندارد که ما قانون بدست اشخاص بیغرض بدیم لکن عباراتی هم بنویسیم که اسباب و وسیله بعضی اقدامات بشود بنده این عبارت را بنویسیم که در این قانون اسباب میشود برای محروم کردن جمعی کثیری را از انتخاب باعمال پانزده اغراض بجهت اینکه حال آتیه ما معلوم نیست معلوم نیست که در دست احزاب باشد یا بدست عموم یا اینکه چه شکر باشد بهر حال صحیح نیست در چنین مملکتی عباراتیکه بهانه اعمال غرض میشود در قانون بنویسیم علاوه این حدود و مجازاتیکه ما میخواهیم درباره متصرفین سیاسی معین نموده و جاری بکنیم نباید زیاده بر حدود مجازاتی باشد که دولت در حق آنها میخورد جاری بکند دولت آنها را در تحت سیاست در می آورد جس میبکند اموالشان را شاید در یک موقع توقیف میکند اما بعد از آنکه آن مجازات محدود در باره آنها جاری شد با دولت عفو کرد آنها را از حقوق مدنی محروم نمیکند نمیگویند شما از افراد این آب و خاک نیستید و مانباید که کاتبه از آس گرم تر بشویم و از آن دولتی که حافظ مملکت و مشروطیت باشد نباید ماسخت تر و تند تر باشیم حالا فرض کنید يك حصه بزرگی که تصیر کرده اند یا تصور کرده اند و يك خلافی کرده اند حالا شما اگر بخواهید در اینجا بچین چیزی را بگذارید و بگوئید در مدت انقلابات کسانیکه برخلاف مشروطه اقدامی کرده اند از حق انتخاب محرومند بسیاری از اهل مملکت محروم میشوند و علاوه بر این است که اسباب و بهانه اعمال غرضی میشود چنانچه دیده ایم شده است و باینوسیبه اشخاص را که میراو منزه هستند بتهمت و افترا محض بشارت اغراض محروم میکنند دیگر این که مقید بکنیم باینکه ثابت شده باشد که بر ضد حکومت ملی رفتار کرده است مادام که دولت او را عفو کرده است و الا اگر اینطور بماند يك عبارت خوش ظاهری است که بواسطه خوش ظاهری آن ما قبول میکنیم و من بعد وسیله دست مفرضین خواهند شد که اغراض خود را پیش ببرند .

**ذکاء الملک** - در خصوص اینستکه می فرمائید شاید چیزی باشد در قانون که بهانه دست مردم باشد که تهمت بزنند کمال موافقت را دارم ولی این عبارت این عیب را ندارد بجهت این که نه نوشته ایم چه اشخاص که بر ضد حکومت ملی اقدام کرده باشند یعنی مثلا جنک کرده باشند باینکه مخالفت واضعی برضد اساس مشروطیت کرده باشند اما در يك قسمت دیگرش همانطور که عرض کردم اگر يك چنین تصیر کرده باشد و مجازات شده باشد دیگر تطهیر نمیشود بهمان عنای که در ماده سابق عرض کردم .

**حاج شیخ اسدالله** - بنده همین فرمایشی که فرمودند دلیل بر این مطلب است که کش خیلی بر میدارد اقدام کرده باشند برخلاف اساس مشروطیت و در نزد کی ثابت شده باشد اقدام چیست بجهت اینکه بعضی از اشخاص را بجهت بعضی نظرات

شخصی ممکن است نسبت بیک اقدامی بدهند مثلا بسا هست که بعضی اشخاص را بواسطه اختلاف نظر نسبت بسوء اقدام بدهند در صورتیکه در هیچ محکمه اقدامی که او کرده است ثابت نشده باشد بنده مخالف نیستم در اینکه اشخاص که اقدام برخلاف اساس مشروطیت کرده اند محروم باشند از حق انتخاب لکن باید يك حدی برای این قرار داد اینستکه ممکن است نسبت اقدام بیک نوع از مخالفت بیک کسی بدهند در حالیکه آن بیچاره در کمال خوبی همراهی با این اساس کرده و زحمتهای هم در راه مشروطیت کشیده باشد و زحمت او را بپذیر بدهند و از برای اثبات غرض خود لازم نیست که جای دوری برویم قدری داخل میشود در وضع حالیه مان هر کس با کسی عرض دارد او را متهم می کنند بارتجاج اینکه دیگر خیلی دیده شده است پس باید معین باشد که اقدام او بچه نحو باید معلوم و در نظر کی باید محقق و معلوم باشد نه بمجرد اینکه گفته شود این اقدام مخالف با اساس مشروطیت کرده است بمجرد اینکه مخالفت یا خیالات شخصی من بنده خود را عرض نمیکنم آنوقت بیروا ندارم که بگویم تمام و کلا بر خلاف اساس مشروطیت رفتار کرده اند و این اسباب زحمتی برای و کلا آتیه خواهد شد می بینم بعضی را متهم بارتجاج میکنند و میگویند برخلاف اساس مشروطیت رفتار کرده وقتی که میگوئی بچه دلیل می بینی دلیل ندارد در محکمه هم محاکمه نشده و ثابت نشده این است که عرض میکنم اگر میخواهید این قید را آنجا زیاد بکنید باید اضافه بکنید که در يك محکمه ثابت شده باشد که این اقدام را کرده است و الا ممکن است و کلا این هم که در دوره آتیه می آیند البته در آن مجلس آتیه هم مسالک مختلفه هست آنوقت هر کسی که برخلاف آن فرقه باشد شاید بگویند ترجیح است و یا اینکه هر کسی که برخلاف يك مرتجع رفتار کرده پس باید يك عبارتی نوشت که جلوگیری از این مقاصد هم بکنند و نباید عبارات باین اجمال بماند .

**ناصر الاسلام** - بنده در میان این موادی که نوشته شده است هیچ ماده را بهتر از این نمی دانم و هر قدر این ماده بقول آقایان کشتش داشته باشد بهتر است این که گفته میشود بواسطه اختلاف مسلک و اختلاف حزب ممکن است کسی را متهم بکنند اینطور نسبت اختلاف حزبی و سیاسی در تمام مملکت هست هیچوقت آنها یکدیگر را متهم نمیکنند بارتجاج و حرف اختلاف حزبی فقط تنقید است نه اتهام و امر زده میتوانیم بگوئیم که آن اشخاصی که برضد این اساس رفتار کرده اند اگر جلب بمعجزه و مجازات میشوند خیلی از اشخاص معین و باس و رسم شناخته میشوند و اگر آن نوشجائیکه بدست آمده است و امیدواریم که آن لایحه که پیشنهاد شده است از طرف نمایندگان آن که آن نوشجات را بجنس بفرستند فرستاده شود آتوقت خیلی از اشخاص معرفی از خودشان در آنجا کرده اند و محتاج بزرحت نخواهد بود و امیدواریم دیگر در مجلس آتیه ما اسم ارتجاجی نشنویم و این اسم برده نشود .

**حاج شیخ الرئیس** - بنده در این ماده ابتدا مقابرت ندارم و مخالفت نمیکنم بلکه به همین طور بیکه

در اینجا ذکر شد بهترین موادی هست که در این قانون گنجانیده میشود و خاطر نشان هم میکنم که فرضاً دولت بر حسب مصالح و منافعی که منظور نظر اولیای امور است عفو شخصی یا فامیلی بدهد و لکن آن عفو از عفو خداوند بزرگتر نیست که التائب من الذنب کمن لا ذنب له والا در آن ماده سابقه خواندیم که مرفوقین بارتکاب فسق و فجور که مجازات شرعی هم شده اند البته هندالله مظهر است لکن آن نظر عمومی در او طوری است که او را از استحقاق و قابلیت انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم میدارد در این حرفی نیست ولی فقط بنده این را میخواستم عرض کنم که نوشته است مفسرین سیاسی و بعد تفسیر کرده است باینکه برضد حکومت ملی و مشروطه اقدام کرده است بنده این را صحیح نیبدم بجهت اینکه مفسرین سیاسی اهم است باید او را هم ملاحظه کرد بکمرته این است که کسی است که ابتدا برضد اساس مشروطیت و آزادی اقدامی نکرده است ابتدا اشگری نکشیده است جنگی نکرده است اقدام دیگری هم نکرده است نه بشور مسلین داخل شده است و نه نهب و خسارتی کرده است لکن یکی از اسرار دولت را فاش کرده است مثلا در يك اداره مستخدمه بوده است نقشه جنگی را بطرف خصم داده است اینها هم جزء مفسرین سیاسی محسوب میشوند باید در این خصوص هم خیلی دقت کرد زیرا اینگونه تصریحات در جاهای دیگر خیلی اهمیت دارد در قوانین مملکتی خودشان اینگونه تصریحات را طوری بزرگ میدانند و طوری حکم اعدام چنین کسی را صادر میکنند که هیچ قابل اغماض و عفو نیست بنده مخالفتم از این جهت بود والا مخالفت دیگری نداشتم .

**مهز زالملک** - فقط مخالفت بنده در مدنظر بودن یا نبودن این ماده است که بعضی میگویند که محکمه و ثبوت والا همه متهم خواهند شد اولاً هیچ متهمین اینجا نوشته نشده است فقط نوشته اند مفسرین سیاسی که برضد اساس حکومت ملی رفتار کرده اند وقتی که يك کسی را میگویند مفسر سیاسی معلوم است که يك تصیری کرده که میگویند مفسر سیاسی این معلوم است اگر يك عده با يك عده دیگری با يك کسی بد باشند یا ضدیت داشته باشند از این راه نمیشود باو بگویند فلانکس مفسر است او را میتوان گفت متهم است و اتهام غیر از مفسر بودن است و آن کسانیکه عملاً مخالفت کرده اند با اساس مشروطیت بقدری واضح است که جای گفتگو نیست این خیلی لازم و بهترین شرطی است که در این ماده نوشته میشود زیرا چطور میشود که يك کسی که مخالفت با اساس مشروطه کرده است باز هم شرکت کند و حتی شرکت در آن اساس داشته باشد این خیلی غریب است از طرف دیگر هم اشتباه نباشد و هیچ مشکل نیست اگر چه در مملکت ما مجازات کم میشود و با وجود اینکه عفو و اغماض دولت بدرجه زیاد است که در نظر مخالفین حمل بر ضعف میشود مملکت گمان میکنم نمیشود گفت که ما اگر بخواهیم دست از آنها بکشیم و بخواهیم آنها را که برضد دولت جدید بوده اند بشناسیم و بشناسانیم میتوانیم همه میدانند که چه کسانی اقدام کرده اند برضد دولت جدید و همه را میشناسید و هیچ شبهه در این

باقی نیست .  
**آقا سید حسن مدرس** - آقایان خیلی فرمایشات فرمودند و بعضی آثار واقعی را با آثار ظاهری مخلوط فرمودند مقصود من اینست که مخالفت کرده اند این بزرگترین گناهی است که کرده اند و لکن این مطلب را بدست اشخاصی که هیچ قانونی بجهت احراز این مطلب در دست ندارند نباید بدیم که مبادا بواسطه این در بعضی موارد سوء رفتاری بشود که شاید هیچک از کلاء راضی نباشند بنده عقیده ام اینستکه اگر آقایان صلاح بدانند خوب است نجوی رفتار کنند که خودمان را تقلیل نکنیم تکلیف بکنیم اقل دسته دسته بشهادت از خودمان جدا نکنیم بواسطه اینکه اگر دسته دسته از خودمان جدا بکنیم کم می شویم ان کان ولابد خوب است این شرط را در منتخب قرار بدیم و منتخب را که فرمودند دائره اش را باین ضیق نگیریم که اسباب گفتگو نشود حالا خود دانید .  
**ذکاء الملک** - در منتخب این شرط است ولی در منتخب هم گویا لازم باشد علاوه بر این فرمایشات سوء استعمال شود باین عبارتی که اینجا نوشته شده است سوء استعمال نشود مع ذلک یک لفظ دیگر هم میخواهید اضافه بکنیم که دیگر جای هیچگونه شبهه نباشد و آن لفظ این باشد که بجای برضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت اقدام کرده اند ( قیام و اقدام کرده اند ) بنویسیم بجهت اینکه کسی را که گفتند قیام کرده است همه کسی میدانند که قیام کرده است اگر قیام نکرده باشد که نمیتواند بگوید قیام کرده است و شاید در کسی بنده را بگوید مرتجع آنوقت بنده محروم میشوم از حق انتخاب ؟ اینطور نیست علاوه ما نگفتیم اگر کسی مرتجع است حق انتخاب ندارد مرتجع هم شاید حق انتخاب داشته باشد ما گفتیم مرتجعی که قیام کرده باشد برضد حکومت ملی حق انتخاب ندارند اما مقصود سیاسی که آقای حاج شیخ الرئیس فرمودند گویا در واقع موافق بودند که فرمودند اینها در ممالک دیگر بطوری است که خیلی با آنها مجازاتهای سخت میدهند و بنکه آنها را اعدام میکنند صحیح است اینها است ولی هرگاه یک مقصود سیاسی است و اعدام نشده است افلا باید از اینگونه حقوق محروم باشد و خیلی مجازات شدید دارد و مجازات آنها وقتی است که آنها را اعدام کنند و وقتیکه آنها را اعدام کردند سلب حق انتخاب هم از آنها میشود .  
**نایب رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد ( کافی دانستند ) دو فقره اصلاح عبارتی شده است خوانده می شود :  
اول - از طرف آقای حاج سید ابراهیم بنده پیشنهاد میکنم فقره هم اینطور نوشته شود اشخاصیکه ثابت و محقق شده باشد که علناً برضد حکومت ملی اقدام کرده اند .  
**حاج سید ابراهیم** - بنده در اصل مطالب که اشخاصیکه واقف برضد حکومت ملی قیام و اقدامی کرده اند آنها را واجب القتل و در روزی زمین وجود آنها را سم مهلك برای دیگران میدانم ولی اینرا عرض میکنم که ما بالعین و امان میبینیم که اشخاص منزله را متهم به ارتجاع و آنها را ارتجاعی هستند و مشاهده میکنیم

و همه ما اطلاع داریم که بعضی مشروطه طلبان صحیح العمل را متهم به ارتجاع کردند بعضی اغراض فائده خود علاوه بر این مردم در اغلب شهرها دودسته هستند بعضی آزادی خواه در راه مشروطیت و حمات کشیده اند و بعضی دیگر حامیان ارتجاع که برخلاف حکومت ملی قیام نموده و کارها کرده اند ولی ترتیبات قسمی پیش آمده و پیش آورده اند که آن اشخاصی که بیشتر برضد حکومت ملی اقدام کرده بودند امروزه روی کار و مشیر و مشار هستند و آن اشخاص که بیشتر مشروطه طلب بوده اند خانه نشین و منزوی هستند حالا اینها را که مشروطه طلب بوده اند اگر آندسته که روی کار هستند بخواهند متهم بکنند همه قسم بهانه و اسباب برایشان فراهم است اگر بگوئیم اشخاصیکه حامیان ارتجاع بوده اند انتخاب کنند مخالف این شرط خواهد بود و اگر بگوئیم از آزادی خواهان انتخاب کنند که دسته اول آنها را راه ندهند بلکه بواسطه تقریبی که حاصل کرده و مشیر و مشار و مصدر امور شده اند همین وسائل آنها را متهم نموده حتی از انتخاب کردن منوع میکنند پس بحسب این شرط در چنین بلادی معنایش اینست که یک چنین جایی انتخاب شود بنده عقیده ام اینست که بنویسیم اشخاصی که علناً برخلاف سلطنت ملی اقدام کرده اند و ثبوت هم رسیده باشد به صحیح است که بگوئیم قیام کرده اند و لکن یک تحقق و ثبوتی هم لازم دارد نه آنکه مطلق باشد که بهانه بدست مفرضین بیاید که هر طور بخواهد اعمال اغراض بکنند و اشخاص صحیح و صالح و منزله را متهم بکنند چنانچه دیده ایم خیلی اهمیت میدهم که بهانه اعمال عرض بدست مفرضین ندهیم .  
**ذکاء الملک** - بنده موافق هستم و لفظ اگر ثابت شده باشد معین است کسانی که ثابت شده باشد که برضد حکومت ملی اقدام کرده اند از این حق محروم خواهند بود ولی لفظ علناً یعنی چه یعنی اگر کسی مجرمانه برضد اساس مشروطیت اقدامی کرده باشد محروم نیست ؟  
**حاج سید ابراهیم** - علناً را بردارند ( پیشنهاد آقا میرزا ابراهیم خان قرائت شد ) بنده پیشنهاد میکنم قسمت نهم از ماده چهارم اینطور نوشته شود مقصود سیاسی که اقدام و قیام آنان برضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت ثابت شده باشد .  
**ذکاء الملک** - بنده از آقایان استدعا میکنم که پیشنهاد خود را مسترد بکنند زیرا همان قیامی که بنده عرض کردم خیلی بهتر است .  
**آقا میرزا ابراهیم** - بنده پس میگیرم **حاج سید ابراهیم** اجازه فرمائید آریورت جزو نهم را بخواهند اگر دیدم کاقیت پس میگیرم ( جزو نهم مجدداً قرائت شد )  
**حاج سید ابراهیم** پس میگیرم ولی همان قیامی کافی است اقدام لازم ندارد .  
**محمد هاشم میرزا** - اجازه فرمائید عرض دارم .  
**نایب رئیس** - مذاکرات کافی شد و پیشنهاد هم پس گرفته شد در پیشنهاد پس گرفته میخواهید بحرف بزید جزو نهم خوانده میشود .  
۱۰ - اهل نظام بری و بحری بااستنای صاحب منصبان افتخاری .

**لواء الدوله** - بنده در خصوص جزو دهم و یازدهم مخالفم و تقاضا هم کرده ام که تجزیه شود و پیشنهادی کرده ام در باب جزو دهم بخوانند .  
**ذکاء الملک** - اشخاصیکه مفرمانند برای اینست واقفاً مستخدمین بری و بحری احتمال ذهنی میروند این جزو را مجری فرمائید بنویسند اشخاصیکه بواسطه شغل و مقام خود از انتخاب کردن محرومند .  
**نایب رئیس** - در این باب آقای معزز الملک هم یک پیشنهادی کرده اند خوانده میشود ( پیشنهاد آقای معزز الملک باین مضمون قرائت گردید ) .  
کسانیکه بواسطه شغل و مقام خود از انتخاب کردن محرومند ( ۱ ) اهل نظام بری و بحری بااستنای صاحب منصبان افتخاری .  
**نایب رئیس** - این ماده علیحده نوشته خواهد شد .  
**ذکاء الملک** - حالا اینرا یک ماده علیحده هم میتوان کرد ولی باین ترتیب کتوخته شد لازم نیست که ماده علیحده بشود جزو این باشد عیبی ندارد .  
**معزز الملک** اشخاصیکه جزو نظام هستند در یک ماده دیگر نوشته شود بهتر است ( فقره یازدهم باین عبارت قرائت شد )  
۱۱ - مستخدمین امنیه و نظیبه در محل خدمت ( گفتند این فقره جزء نظام و فقره دهم نشود بهتر است مجدداً فقرات دهم و یازدهم قرائت شد )  
**نایب رئیس** - حالا که پیشنهاد شده است که تجزیه شود .  
**آقا میرزا احمد** - در شور اول بنده استواری در فقره یازدهم کردم که مراد از مستخدمین نظیبه و امنیه کلبه مستخدمین هستند حتی ثبات و وساطت یا همان قسمت مستخدمین نظامی هستند فرمودند مراد نظامیان هستند و این هیچ قبلی ندارد خوب است قبلی اضافه شود که آنها از انتخاب محروم نشوند .  
**ذکاء الملک** - گمان نمیکنم که این لفظ مستخدمین نظیبه اشتباه بشود بدفتر دار و ثبات و منشی و غیره .  
**معزز الملک** - بنویسند صاحب منصبان و افراد نظیبه و امنیه بهتر است ( ایضاً فقره مزبور به مضمون ذیل قرائت شد )  
کسانیکه بواسطه شغل و مقام خود از انتخاب شدن محروم هستند ( اول ) اهل نظام بری و بحری بااستنای صاحب منصبان افتخاری ۲ - صاحب منصبان و افراد نظیبه و امنیه در محل خدمت .  
**نایب رئیس** - قبول فرمائید ( ذکاء الملک به قبول میکند )  
**نایب رئیس** - ماده چهارم مشتمل بر فقره ۹ و ۱۰ حالا خوانده میشود ( به تفصیل ذیل خوانده شد )  
ماده چهارم کسانی که از حق انتخاب کردن محرومند ( اول ) - ثنوان دوم - اشخاص خارج از رشد و آنها کدر تحت قیومت شرعی هستند ۳ - ثنیه خارجه ۴ - اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع شرایط به ثبوت رسیده باشد ۵ - اشخاصی که کمتر از بیست سال دارند ۶ - ورشکستگان به تقصیر ۷ - متکدیبن و اشخاصی که بوسائل پیشرفته تحصیل معاش میمانند ۸ - مرتکبین

قتل و سرفتوسایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده اند ۹ - مقصرین سیاسی که برضد حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده اند . ( پیشنهادی بمضمون ذیل از آقای حاج شیخ اسدالله قرائت شد )  
بنده تقاضا میکنم که فقرات ماده چهارم تجزیه شود و رأی در تمام فقرات سوا گرفته شود .  
**نایب رئیس** - آقای لواء الدوله هم یک پیشنهادی کرده اند که جزء دهم و یازدهم تجزیه شود یک ماده العاقبه هم پیشنهاد کرده اند که فقره دهم است خوانده میشود .  
( ماده العاقبه ببارت ذیل قرائت شد )  
جزو دهم - متجاهرین بفسق که معروف بفسق میباشند .  
**لواء الدوله** - همچو عقیده بنده است و گویا کسی جلو عقیده کسی را نتواند بگیرد بنده عرض میکنم که اینجا منکک اسلامی است آن آقایانیکه جواب خواهد داد که این مسئله اینطور عرض میکنم که در عصرها که عبور میکنید از خیابان لاله زار تشریف ببرند آن حجراتی که بالای آنها نوشته اند میماند خانه عدوی و در آنها میروند علی س الاشهاد شرب میکنند این شخص را که در آنها اینکار را میکنند او دیگر هیچ وقت بدرد ملت نمی خورد و بنده متجاهر بفسق را باید اصلاح نمودند ( از طرف غالب تکذیب شد )  
**نایب رئیس** - اینکه فرمودند تکذیب میکنم و چنین چیزی نیست .  
**ذکاء الملک** - بنده هم تکذیب میکنم و قابل مذاکره نمیانم .  
**نایب رئیس** - رأی میگیرم در این جزئی که آقای اروا الدوله پیشنهاد کرده اند آقایانیکه قابل توجه فرمائید قیام نمایند ( محدود قبلی قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - حالا ماده چهارم خوانده میشود و با تجزیه رأی میگیرم ( مجدداً جزء اول خوانده شد )  
**نایب رئیس** - هر یک از آقایان جزء اول را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - تصویب شد جزو دوم خوانده شد .  
**نایب رئیس** - هر یک از آقایان جزء دوم را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام کردند )  
**نایب رئیس** - تصویب شد جزء سیم ( جزء سیم خوانده شد )  
**نایب رئیس** - هر یک از آقایان جزء سیم را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - تصویب شد جزو پنجم ( جزو پنجم خوانده شد )  
**نایب رئیس** - هر یک از آقایان جزء پنجم را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - تصویب شد جزو ۱ ( جزو ششم خوانده شد )

**نایب رئیس** - هر یک از آقایان جزء ششم را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - تصویب شد جزو ۷ ( جزو هفتم خوانده شد )  
**نایب رئیس** - هر یک از آقایان جزء هفتم را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - تصویب شد جزو هشتم ( جزو هشتم خوانده شد )  
**نایب رئیس** - تصویب شد حال رأی میگیرم تمام ماده چهارم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - تصویب شد ماده ( ۵ )  
**ذکاء الملک** - ماده ۵ رای گرفته شد  
**نایب رئیس** - ماده العاقبه است بخودتان ماده پنجم را معین کنید دو باره خوانده میشود ( خوانده شد )  
ماده ۵ - کسانیکه بواسطه شغل و مقام خود از انتخاب کردن محروم اند .  
۱ - اهل نظام بری و بحری بااستنای صاحب منصبان افتخاری .  
۲ - صاحب منصبان و افراد نظیبه و امنیه در محل خدمت .  
**نایب رئیس** - هر یک از آقایان تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - تصویب شد ( فقره سیم بمضمون ذیل خوانده شد )  
۳ - در فقرات هفتم و هشتم از ماده ششم راجع به عدم انتخاب مقصرین و مرتدان قانده العقیده پیشنهاد هائی شده بود که کمیسیون تصویب نموده بصورت ذیل راپورت میدهد .  
( شش فقره اول این ماده در مجلس رأی داده شده است )  
۷ - مرتکبین قتل و سرفت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده اند .  
۸ - اشخاص متجاهر بفسق و فاسدالعقیده در دین اسلام .  
۹ - مقصرین سیاسی که برضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده اند .  
**نایب رئیس** - در ماده ششم تقاضا شده بود که تجزیه شود شد تا فقره ششم رأی گرفته شد فقره هفتم و هشتم مانند یعنی دو فقره رجوع شده بود بکمیسیون و یک فقره هم الحاق شده است که حالا سه فقره است در یکی یکی مذاکره میشود حالا فقره هفتم خوانده میشود مذاکره میکنم ( مجدداً خوانده شد )  
**حاج آقا** - بنده در شرایط منتخبین عرض کردم حالا در شرایط منتخبین هم مکرر میکنم اگر چه جواب داده میشد در بعضی اشکالات بنده که باید در امر انتخاب توسعه داد و منتخب هر چه توسعه اش زیادتر باشد بهتر است بنده نفهمیدم که پس سایر شرایط را چرا کردند خوب بود هیچ شرط برایش قرار ندهند ولی حالا در منتخب است و البته لایق امانت و مداخذه در امور باشد اجتماعیه آن کسی است که از هر حیث در مملکت و در نظر هیئت

اجتماعیه دارای اخلاق و صفات و ملکات پسندیده باشد اگر بنا باشد که اشخاص که معروف بارتکاب قتل و سرفت و سایر چیز های دیگر که امثال قتل و سرفت است هستند و آقایان همه میدانند که در بلاد ایران هزارا از این نمره اشخاص هستند که معروفند بقتل و سرفت و سایر اخلاق رذیله این قبیل اشخاص را اگر قید نکنیم که از این حق محروم باشند بنده نمیانم بچه ملاحظه است و خیلی تعجب دارم بواسطه این که یک وقت میفرمائید که معروفین بقتل و سرفت را اگر قیتم از حقوق انتخاب محروم شوند از حقوق خیلی ها کاسته میشود مثل این که در منتخب بودن میکنند و اینجا گذشت این حرف اگر چه منطقی نبود ولی در منتخب شدن هر قدر ما تضییق کنیم که اشخاص خیلی صحیح دوستمنتخب شوند که در مجلس شورای ملی بنشینند و گفتگو کنند در امور مردم و رأی بدهند بهتر خواهد بود اگر میفرمائید در مملکت اگر کسی معروف بقتل و سرفت شده است باید ثابت بشود و اگر ثابت بشود او را خارج کرده ایم عرض میکنم چقدر اشخاص معروف بارتکاب قتل و سرفت در این مملکت هستند کدام را بچکمه برده و محاکمه کرده اند و ثابت شده است که قاتل یا سارق است بنده وجدان آقایان را شاهد میطلبم که در ولایات و اطراف و همچنین در خود پایتخت چقدر اشخاص را میشناسند که معروفند متین اند باین کشفشان این گونه حرکات است و شاید این نسبت را هم آنها میدهند و بین همه مبرهن است ولی یک مدعی العمومی نرفته است در یک محکمه که ثابت کند قتل او را با آن ترتیباتیکه برای ثبوتش در یک محکمه شرعیه لازم است فراهم نموده یا بواسطه تمکن طرف و یا بواسطه این که طرفی نداشته علی ای حال این گونه اشخاص در مملکت داریم که معروف بقتل و سرفت اند و همه هم آنها را بهیئت صفت میشناسند و این قید هم در راپورت اول کمیسیون بوده است و حالا از این راپورت ثانوی برداشته شده است و بنده تقاضا میکنم که اینقید را دو مرتبه بر آن بیفزایند و بطوریکه در راپورت اولیه کمیسیون بوده است و مقصودشیکه مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند و معروفین بقتل و سرفت و امثال آن همان طور رأی بگیرند تا اینکه ما از این محظور هم تفضل جسته باشیم و اشکال نداشته باشیم .  
**نایب رئیس** - این را پیشنهاد کنید .  
**آقا سید حسین اردبیلی** - نماینده اشخاصیکه میخواهند اظهار مخالفت بکنند رأی این قید مقصودشان چیست یعنی کسیکه میخواهد منتخب بشود باید فایده این شرط باشد یعنی کسیکه مرتکب قتل و سرفت هم شده باشد میشود انتخاب کرد این که قابل مذاکره نیست که باید پیشنهاد شود و گمان میکنم که ما این قدر که مذاکره میکنیم این قدر قابل مذاکره نیست .  
( فقره هشتم مجدداً قرائت شد )  
**حاج آقا** - این ماده وقتیکه از جاع بکمیسیون شد فقط از یک نقطه نظری بود در این عبارتی که اینجا نوشته است که اشخاصیکه خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع شرایط ثبوت رسیده باشد چون دیدیم این جمله هیچوقت مصداق پیدا نمیکند و بنا بر این این عبارت



چون لغو است گفتیم ملقا شود بجای آن موقوفین بفساد عقیده و متجاهر بسوق نوشته شود و غرض این بوده است که موقوفین بفساد عقیده خارج بشوند این عبارتی که از کمیسیون آمده نه آن عبارتی است که در راپورت اول بود و نه آن چیزی است که در پیشنهادهای او بود و نه آن چیز تازه است و آن چیز که در پیشنهادهای او در شان داشتند از بین رفته بنده باز هم پیشنهادهای میکنم همان پیشنهادهای را که در مرتبه اول کردم و آن این است که در عوض نوشته شود موقوفین بفساد عقیده موقوفین بفساد عقیده یک عبارتی است که قابل آن خدشه ها و شبهه ها و آن فرمایشاتی که در شورای اول گفته میشدند بجهت اینکه مراد منهم نیست واضح است بانی میکنم است که یک اشخاص معروف باشند بفساد عقیده ولیکن واقفاً فاسدالعقیده نباشند ولی ما برای اینکه یک احتمالی میدهم نباید این قید را نکینم و باید نوشته شود که ما را از یک مصلحت کلی که نوشتن یک قید خیلی متعین محکم است باز ندارد بنده عرض میکنم اگر شخصی در امور شخصیه خودش بخواهد وکالت بدهد شخص دیگری البته هر چه بتواند سعی و اهتمام دارد که آن شخص را که انتخاب میکند برای وکالت در امور شخصیه اش آن شخص معروف با امانت و درستکاری و دیانت باشد اگر یک ذره احتمال عدم امانت و دیانت در او بدهد ابداً امور شخصی خودش را باو رجوع نمیکند و او را وکالت نمیدهند چه جای اینکه معروف بفساد عقیده باشد همینقدر که معروف بود در مورد اینکه اسباب او نهدم حالا اضافه یک امر شخصی و فامیلی بدست کسی واگذار کردن مهمتر است یا امر منکک را بدست کسی واگذار کردن مایه خواهی قانونی بنویسیم که مردم سرنوشت سعادت و شقاوت خودشان را از روی آن قانون بدست اشخاص دهند که بعنوان وکالت در امور آنها مداخله کنند خوب است در این موقع آن سعی که در پیشرفت امور شخصیه خودمان داریم در امور نوعیه هم داشته باشیم و امور شخصیه را بقدر امور نوعیه افلا اهمیت بهمیم اگر زیادتر نخواهیم کمتر هم نباشد اما مبینم معقول نیست که در امور شخصی خودمان اشخاصی را که معروف بفساد عقیده باشند دخالت بهمیم و در امور نوعیه میخواستیم دخالت بهمیم و بنده پیشنهادهای میکنم که همان عبارتی که در آن پیشنهادهای اول بنده نوشته شود این عبارت را اشخاص فاسدالعقیده و آنهایی که معروف بفساد عقیده هستند اینجا نوشته شود علاوه بر این بهمان دلیل منطقی که خود آقای مخبر هم در مقام بیان آن اشخاص در مقام تعیین مستوجب مجازات قانونی شده اند و مجازات شده اند فرمودند که چون چنین شخصی در انتظار موهون شده بواسطه آن ورا کتبی که در انتظار پیدا کرده از حق انتخاب محروم است آیا این معروفیت بعد دیانت در منککی یا در یک هیئت اجتماعیه کمتر از این است که مستوجب مجازاتی شده باشد و آن هم در حقش جاری شده باشد آیا آن انحطاطی که در نظر مردم بواسطه آن عمل پیدا شده این معروفیت بفساد عقیده اسباب یک چنین انحطاطی نمیشود حالا تقاضا میکنم یا آقای مخبر باینده مساعدت کنند که این پیشنهادهای را قبول کنند یا آنکه مجلس مساعدت کند و رأی بدهد که این عبارت نوشته شود

اشخاصی که معروف بفساد عقیده اند یا معروف بفساد عقیده هستند از حق انتخاب محرومند .  
**آقا شیخ رضا دهخوار قالی** - بنده چنانکه کرا را و مرا را در این مجلس عقیده خودمرا اظهار کرده ام و گفته ام که من عقیده بنیر از آنچه خاتم انبیاء محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله آورده است ندارم مسلم و متشرع هستم ولی چون این جور فرمود در قانون اسباب هنگ شرفها میشود تصدی با عرض مردم میشود لازم دیدم که بنده در این باب یک چند کلمه بنظم آمده عرض آقایان برسانم آنچه که آقای مدرس فرمودند که ما نباید کاری بکنیم که دست جوفه جوفه از خودمان هم نماند خودمان را جدا و تانیکر چه صحیح فرمودند و حال آنکه این صحبت در باره کسانی بوده که قیام و اقدام در ضدیت با دولت کرده اند یعنی باغی شده اند و مسلم است که باغی مهدور الدم است و هیچ حقی از حقوق مدنی ندارد نخواهد داشت مهدور الدم است مثل مرتد بحساب میاید اینقید در اینجا هم همانطور که آقای مدرس فرمودند باعث این میشود که جوفه جوفه از ما نداشته این فیه هم همانطور که کش دارت است بجهت اینکه در این مملکت چیزی که از اول اسلام تا اکنون مردم اغراض شخصیه خودشان را توسط آن پیش برده اند همان مسئله فساد عقیده است در نظر دارم که گفته اند که حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام فاسدالعقیده است در نظر دارم که حسن مجتبی علیه السلام را متهم کردند نظر دارم که امام حسین علیه السلام را متهم کردند نظر دارم که همه اولیاء علیهم السلام را با همین تهمت ها زیر پا کردند و همه آقایان میدانند مخصوصاً آقای مدرس بهتر میدانند که این مسائل در نجف اشرف و کربلا بیشتر پیشرفت دارد خیلی از کسان را شنیدم و دیدم که بهمین وسیله فساد عقیده ضایع کردند و مردم را از استفاده ایشان محروم نمودند و در مرکز و غیره هم مبینم که این چند سال مملکت مشروطه شده است و مشهور همه آقایان هست که مستبد ما مشروطه خواهان چه گفته و میگویند آیا نگفته اند اینجا باقی هستند آقایان تیریزبان حاضر هستند آیا شما نمیکنند که ما بانی هستیم .  
**نایب رئیس** - آقا بعضی الفاظ و مزخرفات دیگران را نگویند .  
**آقا شیخ رضا** - چیزی که خلاف نزاکت باشد نگفتم ام چیزی که معروف است و همه دنیا شنیده اند میگویم دیگر آنکه میخواستم یک مطلب دیگری عرض کنم و آن اینست که گفته میشود که معروف بفساد عقیده نباشم اولاً باید اینطور باشد که در این اسلام یا در هر مذهبی و دینی باید یک عقیده صحیحی معین و مسلم باشد که همه بدانند فلان جور عقیده صحیح است تا غیر آن فاسد باشد و این را تصور نکنید که آقایان حاضری میتوانند مسلم کنند که کدام عقیده صحیح است تا ضد آن فاسد باشد آیا در دین اسلام تصوف عقیده صحیح است یعنی اعتقاد بوحث وجود یا تنزیه و هر دوی اینها را هم میدانید البته که بر اقسام مختلف است و غیره کدام یک از آنها را برانید بگویند صحیح است که ضد آن فاسد باشد تصور نکنید که بتوانید مسلم کنید اگر اگر بگویند که یکی از اینها صحیح است بملفتی از اهل مملکت تان را خارج خواهد کرد و دیگر آنکه

معروف بودن چیست پیش کبها معروف باشد یعنی معروف پیش تمام اهل مملکت ما این را که تصور نمیکنم وجود داشته باشد که یک نفر معروف بفساد عقیده باشد پیش تمام اهالی این مملکت و اگر میگویند پیش جمعی معروف باشد آنهم محل اعتبار نیست بجهت اینکه خیلی اشخاص به بسیاری از علماء اعقاد ندارند الا هم در باره علماء نجف جمعی اعتقاد بر آنست که بنده هستم .  
**حاج شیخ اسدالله** - هیچ معجزه چیزی نیست .  
**آقا شیخ رضا** - بنده تکذیب میکنم شما را **نایب رئیس** - در اصل موضوع صحبت کنید .  
**آقا شیخ رضا** - معزوم بنده اینست که معروف شدن بفساد عقیده هیچ محل و اعتقاد اعتبار نیست در شرع این را محل اعتبار قرار ندادند اگر گوش دارید گوش بدهید بشنوید در باره آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی میگویند که باین است (بعضی گفتند خیر اینطور نیست)  
 پس اینکه اینجا گفته میشود و پیشنهادهای بنده نمیتوانم تصور کنم که یک نوازه صحیحی داشته باشد در شرع اسلام آنکسانیکه محروم از حقوق میشوند کسانی بودند که باغی و مرتد بودند و غیر از این هیچ راه محل اعتبار نیست معروف بوده معنی شنیده میشود و میگویند که فلان همچنین است این در شرع هیچ محل اعتبار و اعتبار نیست آیا ثابت شده در یک محکمه شرعیه که این شخص فلان کلمه را گفته است و از این رو مرتد شده است و ملخص عرایض بنده اینست که اینقدر معروفیت بفساد عقیده یک چیزی است که خیلی اشکال است و چنانچه اول عرض کردم خیلی کش دارد و خارج از شرع اسلام است هیچ شرعاً معجزه چیزی نبوده و نیست و نشده است که کسی از متدینین بدین اسلام اعتقاد باین داشته باشد و اگر آقایان در نظر دارند که در شرع اسلام معجزه چیزی هست اجازه بگیرند که برخلاف بنده حرف بزنند و ادعایش را بفرمایند تا بازم بنده اجازه بخواهم و جواب عرض کنم .  
**حاج امام جمعه** - بعضی چیزهای مسلمه داریم که همه بان اتفاق داریم خوب است در آن مسائل نظریه حرف نزنیم و اگر یکی بگوید در دنیا هیچ عقیده فاسده نیست و هر عقیده در دنیا صحیح است این یک مسئله دیگری است بنا بر این و ما عقیده نداریم مابک عقیده صحیحی داریم و یک عقیده فاسدی و آنهم پیش تمام مسلمان ها واقع است و هر کسی از مسلمان ها بگوید که من فرق مابین عقیده صحیح و فاسده نمیکنم این برخلاف مسلمانی است و یقین داریم که همه آقایان با من متفقند در اینکه کسیکه واقفاً فاسدالعقیده باشد نباید او را وکیل مردم کرد اینجا یک کلمه عرض میکنم وکیل شدن غیر از وکیل کردن است در وکیل شما هر چه بتوانید شروط زیاد قرار بگذارید بهتر است چرا برای اینکه میخواهید حق دیگران را بیخشید انسان حق خودش را میتواند بیخشد و لکن حق دیگری را نمی تواند بیخشد شما امروز در موقعی هستید که نمیتوانید حق ۳۰ کرو را حفظ کنید و نمیتوانید بیخشید این موقوع شرایط وکیل غیر از شرایط انتخاب کننده است این جمعه معترضه بود و در این همه معتقدیم کسیکه در واقع فاسدالعقیده است نباید او را وکیل

کرده کلام در معروف بفساد عقیده بودن است و ما باید بیسیم که کسی فاسدالعقیده است و کسی فاسدالعقیده نیست بازم یقین دارم اشخاصی که خیلی معروف بفساد عقیده باشند اسم او را وکیل بگذارند همه او را رد خواهند نمود از عقیده گذشته احترام این مجلس را شما لازم میدانید پس کلام در راه این مسئله است و ما بجهت او را فاسدالعقیده بدانیم و او را از این حق بزرگ محروم کنیم اینجا در راپورت کمیسیون اول نوشته بود اشخاصیکه خروجشان از دین حنیف اسلام الی آخر این خوب میزانی بود میزانی است که خدا آنرا قرار داده لکن افسوس که این میزان از چند سال باین طرف در این مملکت متعوز شده است اگر این میزان در دست بود بهترین میزانی بود که اشخاص فاسدالعقیده و غیر فاسدالعقیده را باین میزان ترازو کنیم حالا اعضای کمیسیون نوشته اند که اشخاص متجاهر و فاسدالعقیده که در دین اسلام این خیلی خوب است و تمجید میکنم این را حالا که باید فساد عقیده را فهمیده باشد و معین کند (گفتند که شرع) تصور میکنم که پیش حاکم شرع این میزان از دست رفته است که امروز کمی برود پیش حاکم شرع بگوید که فلان شخص فاسدالعقیده است ثابت بکنند خودتان هم تصدیق میکنید که ممکن نیست پس اگر راستی میخواهید اشخاصیکه فاسدالعقیده هستند در مجلس نباشند باید آن پیشنهادهای که آروز شد او را قبول کنید اما اینکه فرمودند که معروف بودن یک چیزی است کش دارد استماعاً میکنم و آقایان توجه فرمایند خیلی فرق است مابین اینکه معروف باشد یا متهم باشد معروف باشد یعنی اهل ولایتش و اهل مجلس همه میدانند فساد عقیده او را ولی کسیکه متهم است او را نباید اعتناء کرد و آنرا هم کمی قید نمیکند و اما اینکه معروف بودن را از اینجا خارج نکنند و هر کسی میخواهد خارج بکنند بنده میگویم آن موکلینی که او را انتخاب کرده در حق آنها خوب نمیشود  
**نایب رئیس** - در این باب گویا مذاکرات کافی است یک ربع تنفی داده میشود (مجدداً بعد از تنفی مجلس تشکیل شد .  
 دو فقره از ماده ۶۰ بمبارت ذیل قرائت شد .  
 ۷ - مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانون اسلامی شده اند .  
 ۸ - اشخاص متجاهر بسوق و فاسدالعقیده در دین اسلام .  
**نایب رئیس** - در این دو فقره پیشنهادهای بنده قرائت میشود .  
 (پیشنهادهای از طرف حاج آقا بمبارت ذیل قرائت شد .)  
 بنده پیشنهادهای میکنم که این جمله بر آخر فقره هفتم از ماده ۶ افزوده شود معروفین قتل و سرقت و امانت آن که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند .  
 (ایضاً پیشنهادهای از طرف حاج آقا بمبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهادهای میکنم که در فقره ۸ از ماده ۶ نوشته شود اشخاصیکه معروف بفساد عقیده باشند .  
**نایب رئیس** - این پیشنهادهای حاج آقا کدر جزو هفتم است خوانده شد .  
**نایب رئیس** - توضیح دارید ؟

**حاج آقا** - اول بنده تقاضا میکنم که آن عدم دیانت را تغییر ندهند و معروف بفساد عقیده بنویسند و بعد در مقام توضیح این بنده چیزی نمیتوانم و نمیخواهم بیفزایم بر آن چیزی که آقای حاج امام جمعه فرمودند و قبلاً هم عرض کردم در موقعمیکه این پیشنهادهای را بمجلس شورای ملی نمودم هیچ نمیخواستیم که به موضوعی بجهت احکام شرعیه در دست داده باشیم که آقایان اشکال کنند که باید احکام شرعیه در حضور حاکم شرع به ثبوت رسیده باشد آقایان ملتفت باشند که این پیشنهادهای بنده راجع بیک مطلب عرفی سیاسی است که مخبر محترم در بعضی شرایط دیگر بطور کامل بیان حقیقت این را فرمودند بنده هیچ نمیتوانم تصدیق کنم که اشخاص معروف بفساد عقیده کمتر از ورشکستان بتفصیر باشد و هیچ نمیتوانم تصدیق کنم که این فقره کمتر از فقره تکلیفی است و همچنین از سایر چیزهای دیگر همینقدر عرض میکنم که نظر بنده در امر مملکت این است که میگویم در امر مملکت باید نظرم آن کمتر از نظر در امور شخصی خودمان نباشد و چون در امور شخصی خودمان سعی هستیم که همیشه یک شخصی را که معروف بديانت و امانت است تصدیق امور خودمان قرار بدهیم از اینجهت اشخاصیکه معروف بفساد عقیده هستند نباید تصدیق بکنیم که آنها متصدی امور مملکت باشند و شاهد میآورم برای آقایان مخالف همان مطالبی را که راجع باحکام شرعیه است در مقام استنباط احکام و تنبیح در اخبار آقایان میدانند در مسئله روات اگر نوشته باشند کتاب رجال که فلان راوی معروف بفساد عقیده بود بکلی آن چیز از میان بیرون و از درجه اعتبار ساقط میشود و ترتیب اثر بر او نمیشود بطور ما معروفیت را میزبان بگیریم و حال آنکه همان معروفیت مدار و میزان ترتیب اثر است در هر امری اما در امور مملکت میگویم در مناط و میزان نیست و بنده بعقیده خودم این عبارت را خیلی واضع میدانم تا آن عبارتی که از کمیسیون آمده است کمیسیون نوشته است آنهایی که خارج از دین اسلام هستند آنوقت بعقیده بنده با بعقیده دیگری اشتها را میزبان قرار نگذارم ایم من میگویم که اگر یک شخصی معروف بفساد عقیده باشد و لو هم این معروفیت خلاف واقع باشد نباید در مجلس شورای ملی بیاید و در امور مردم مداخله کند بنده وجود این گونه اشخاص را ولو واقفاً اولین مدین باشد مضر با محبوبیت مجلس شورای ملی و مخالف احساسات عمومی میدانم تقاضا میکنم که رأی در پیشنهادهای بنده را باور نه بگیرند تا اشخاص معلوم شوند .  
**معزز الملک** - بنده تصور میکنم که در این باب یک اشتباه جزئی حاصل شده باشد فرمودند این معروف بفساد عقیده بودن کمتر از ورشکستان بتفصیر و تکذیب نیست بنده بعقیده هستم و هیچکس هم شاید که مخالفت نکند که این یک چیزی است بهتر از همه آنها بلکه بنده میتوانم بگویم نماینده عقیده تمام نمایندگان هستم در این عرضی که میکنم که ما هیچوقت رضای نخواهیم شد که یک نماینده در مجلس باشد که فاسدالعقیده باشد (اغلب تصدیق کردند) و البته این حق را نمایندگان واریاب جراید میتوانند در مردم تولید بکنند که هر کس انتخاب

میکند اشخاصی را انتخاب نکنند که معروف بفساد عقیده باشند ولی این حسی است که باید توضیح داد مثل سایر حسیات در خود ملت ایران از برای اینکه سوء تقاضای نشود از این مطلب باز عرض میکنم که مجلس بزار است از آنکسی که فاسد بعقیده است خاصه اینکه در مجلس نماینده باشد ولی چیزی که هست مقنن وقتی قانون وضع میکند میخواهد که یک نتیجه خوبی ببرد پس باید قانونی که وضع میشود طوری باشد که نتیجه خوب بدهد نه طوری که نتیجه سوء بدهد این گفته شده که معروفیت غیر از اتهام است بنده عرض میکنم که نتیجه تمام است اگر فدری دقت شود که میدانند که معروفیت از کجا ناشی میشود اول از اتهام است که بعد معروف میشود و عرض کردم وقتی که مقنن میخواهد قانون بگذارد باید طوری باشد که فاسد نکند عقیده مردم را ولو اینکه آن قانون خودش خیلی در نظر صحیح شده باشد کلمه معروفیت بفساد عقیده را بنده می پرسم از آقایان که در تمام شهرهای ایران کسی که خواهد یک کسی را متهم بکنند در چند روز میتواند او را متهم بکند و معروف بکند البته ممکن است در یک مدت خیلی قبلی کسی را معروف کرد (آقای حاج آقا عبارت آمده است اظهار کردند) استماعاً می کنم از آقای حاج آقا بمبارت بعد اظهار مخالفت خودشان را بفرمایند پس در یک مدت قبلی میتواند معروف بکنند زیرا در هر مجلسی از مجلهای ایران اگر خیلی آدم خوبی هم باشد وقتی کمی بنشیند یک مقامی میرسد و حقیقتاً مستحق آن مقام است در یک اندک زمانی ممکن است او را معروف بفساد عقیده بکنند و معروف بجایی چیزها بکنند که با مقام نرسیدی معروفیت تنها را هیچ نمیتوان دلیل آورد و مقنن نباید قانونی بگذارد که آن قانون اسباب بدی اخلاق مردم بشود بلکه باید جلو اخلاق بدمرد را بگیرد علی الغرض کدر قانون انتخابات نوشته شده است کسیکه خارج میشوند از حق انتخاب کسانی هستند که فاسدالعقیده هستند پس اگر یک فدری تأمل بفرمایند این مسئله که اینجا نوشته شده است و آن چیزی که کمیسیون گفته است هر دو تقریباً بهم نزدیک میشود کسی مخالف این نیست که فاسدالعقیده نباشد آنچه ترتیب معروف هستند بان نظری که آقای حاج آقا میفرمایند نمیتوانند معروفیت حاصل بکنند مگر اینکه عبارته آخری معروفیت بدوچه باشد که به ثبوت برسانند و این مقصود ایشان در ماده ۶ حاصل میشود و هیچ محتاج بگذاشتن این کلمه معروفیت نیست و گمان میکنم که این کلمه بعضی را تشجیع میکند که بعضی اقدامات بکنند بر مردمی تصفیر صحیح و تهمت ها بزنند و چیزها نسبت بدهند .  
**نایب رئیس** - کمیسیون چه بگوید .  
**مخبر** - همان است که نوشته شده است .  
**نایب رئیس** - پیشنهادهای باعضاء پنج نفر شده است که باور نه رأی گرفته شود مجدداً قرائت میشود و آقایانیکه قابل توجه میدانند ورقه سفید خواهند داد .  
**محمد هاشم میرزا** - بنده تقاضا میکنم که تجزیه شود چون اگر بنده رد کنم گمان نکنند که میل داشتم متجاهر بسوق انتخاب شود باین معنی که اگر بنده معروفیت را هیچ دلیل برایش نمیدانم و رد

میکنم معلوم باشد نگویند که متجاهر بفسق راهبرد کرده است باین معنی که متجاهر بفسق خوب است پس بنده تقاضا میکنم که تجزیه شود .

**نایب رئیس** - رأی میگیریم باین پیشنهاد حاج آقا این پیشنهاد را هر کسی رأی داد رأی بجنف پیشنهاد کمیسیون داده است .

**محمد هاشم میرزا** - چون این پیشنهاد دو جزء دارد اگر ورقه آبی بدهیم تقریباً پیشنهاد کمیسیون رد شد ، است .

**حاج آقا** - بنده عمده نظرم همان معروفیت است والا مظاهر بفسق در راپورت کمیسیون هست و بعد در راپورت کمیسیون رأی میدهند معلوم می شود - حالا میخواهند متجاهر بفسق را از پیشنهاد بنده بپندارند و رأی گرفته شود و فرق نمیکند .

**نایب رئیس** - رأی میگیریم باین جزو از پیشنهاد حاج آقا که معروف بفساد عقیده است آقایانی که قابل توجه میدانند ورقه سفید خواهند داد . ( در اینموقع ورقه رأی اخذ و پستمد ذیل احصاء گردید )

ورقه سفید ۲۸ ورقه آبی ۲۱ .

**نایب رئیس** - قابل توجه شد پیشنهاد آقای حاج شیخ الرئیس قرائت میشود . ( پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم که کسانی که معسوف و مشهورند بفساد عقیده دیناتی و تجاهر در ارتکاب فسوق و فجور .

**نایب رئیس** - اینکه همان پیشنهاد است **حاج شیخ الرئیس** - کلمه مشهور اراضه شده است اجازه میفرمائید .

**نایب رئیس** - بفرمائید .

**حاج شیخ الرئیس** - بنده موقع را بلی مفتن می شمارم در این آخر مجلس رفع یارده اشتباهات که شده و گویا سوء تفاهمی شده باشد بنمایم خیلی از آقایان نمایندگان بنظر بنده در طرف افراط واقع شده اند و خیلی ها در طرف تفریط مسئمه معروفیت و مشهوریت با منم بودن را باید فهمید و تفکیک کرد بگمراهی این است معروفیت یا همت زدگی از ناحیه اعمال و افعال آن منم معروف و مشهور منشاء پیدا میکند بگمراهی از سوء اغراض مفسدین و مخاصمین و مجاهدین است توضیح منم بگمراهی این است که بنده نه بگمراهی بقول خدای تعالی که هر شب یا یکشب در میان مردم مرا در مواقعی که شایسته زی من و شایسته وکالت من نیست می بینند یا بگمراهی خودم اظهار میکنم که من فلان مجلس میروم بعد از آنکه مکرر در افکار مردم خودم را معرفی کرده که من میروم بجائی که قمار میبازند و محققاً هم بنده قمار نباشم اما اگر در انتظار مردم و خیالات مردم متهم بشوم و معروف بشوم و مشهور بشوم که این شخص بن مبالا است و قمار باز است باید این ملامت را بخودم بکنم که خودم باعث شده ام شاید عداوت منم عیبی نداشته باشم برای اینکه شاید آنجا رفته باشم که امر بمعروف و نهی از منکر کرده باشم پس باید این را فهمید که ترتیب آثار هر ضعیف بلکه احکام شرعی است این معروفیتی است و مشهوریتی است که از منشاء انتزاع اطفال و

اعمال خود آن شخص باشد مثلا ما عدالت را بچه می قهیم آقایان ما اهل اسلامیم و احکام اسلام را هم خوب میدانیم آن اشخاص که همیشه در موقع جماعات و عبادت حاضرند و هیچ فسق و فجوری از افکار نکرده اند آنها را عادل میدانیم که ظاهر الصلاحند و شاید آنکسانیکه ظاهر الصلاحند خیلی اعمال و اخلاقتان از آنها بیکی بفساد عقیده معروف هستند بدتر باشد معذالك نمیشود ترتیب اثری کرد زیرا معروفند بجن ظاهر این حسن ظاهر که معروفیت پیدا میکند مناط تمام احکام شرعیه است و این کاشف از عدالت است و میشود او را مقبول الشهاده قرار داد و در حضور آن طلاق داد و هكذا تمام احکامی که در آنجا بکار می آید بکار می آید در این باب بکنیم که ضمیمه این قانون شود میخوام مصداق خارجی این را همین بکنیم مثل سایر مراد که فاسد العقیده نباشد پس اگر طوری رفتار کرد که مردم بد بکنند مثلا از هر کس بیرون فلان چطور است میگویند بد معامله است آنوقت شما هر کس با من معامله نمی کنید پس پیدا میشود حالا نمیگویم مصداقش بنده ام یا شما ولی میشود کسی که افعال و اعمال او درست نفهمیده باشند اگر ببرد در حقش بگویند الهی انالانعام من الاخیر او انت اعلم به منا این از آن ورشکسته بقتضی بدتر است - البته اینگونه اشخاص را وکالت داد و لافا من الاحتیاط خدا الحاطط لدینک اخوک دینک فاحطاطا لدینک نه اینکه شما دلتان خواسته است بنده را ارتجائی بگوئید از این مهملات و قرضیات خیلی گفته میشود ولی اگر خودم طوری کار کرده ام که در انتظار مردم بیدی معروف شدم خودم گفته ام مرا انتخاب نکنید .

**محمد هاشم میرزا** - اولاً اگر چه این مسئله اینقدر نظری نبود و اینقدر مشکل نباشد ولی شاید در خارج خصوصاً در روزنامه ها که می نویسند در صدر و ذیل عبارت یک نمایندگی را که می نویسند شاید اشتباه بکنند و ندانند که مقصود طرفین چه بوده است از این جهت لازمست عرض کنم که مقصود مقصد تمام افراد نمایندگان همین است که اشخاصی فاسد العقیده نیست نمایندگی برسد و اگر هم برسد رد خواهند کرد بلکه موضوع منم آنکه سر طرفش میباشد که ما چه قسم مینم بکنیم که اشخاص فاسد العقیده کجا هستند تا اینکه در این مقام مقدس نتوانند بایند و برای تشخیص فاسد العقیده هم بهترین طرفی که معین شده است طریقی است که شریعت مظهر معین کرده که ثبوتش در نزد یکی از حکام شرع جامع الشرايط باشد که هر کس که باین ترتیب فاسد العقیده بودنش معلوم شد طرف ترتیب هم قسم آثار شرعی و عرفیه است و آنچه در نظر آقایان است اینست که شاید بعضی برای اغراض خودشان که این کلمه را که ما میخواهیم در این قانون بنویسیم وسیله قرار بدهند و مردم را بیجهت تعقیب بکنند و مدعی العموم صحیحی هم نباشد که رسیدگی بشود و اسباب هم مهیا نباشد که مردم حقیقت امر را بفهمند

از این جهت نمیشود این قید را در این کرد و الا البته مردم هم مسلمان هستند البته نماینده مسلمین انتخاب میکنند چنانچه در وقت انتخابات ملاحظه میکنند در اشخاصیکه دارای عدالت هستند در صورتی که سابق بر این هم باز تردید میکردند و تشکیک داشتند و از آن بالاتر را میخواهند پیدا بکنند همچو نبود که اگر این قید را ننمائید اشخاصی که صاحب ملکه راسته عدالت نباشد انتخاب نمایند بلکه خیلی دشوار است که در حق او رأی بدهند و هر نماینده که انتخاب شد مصدق او همان آرائی است که در حق او داده شده است علاوه بر این ما میخواهیم بآنها ارائه طریق کنیم که شما فاسد العقیده را انتخاب کنید ما هیچ نمیگوئیم و تجویز نمیکند که شما مردان فاسد العقیده را داخل کنید همین قدر میخواهیم خارج کنیم یک قیدی را که ممکن است بواسطه این بعضی اختلافات را تولید نماید ولی اشخاصی که معیناً فاسد العقیده هستند باید خارج باشند چنانچه ما در نظام نامه انتخابات نوشتیم که فاسد العقیده محروم باشد ولی آدمی سر لفظ معروفیت که میخواهیم بنویسیم بنده عرض میکنم که این معروفیت بحدی است که طریقت پیدا میکند بان امر واقع یا آنکه شبه واقع که آن معروفیت بدرجه رسیده است مسلم است فساد عقیده این شخص حالا قطع نظر از اینکه نزد حاکم شرع ثابت شده باشد اما اگر این معروفیت بدرجه رسیده است در جائی ثبت نشده که بایستند از عرض بگویم فوراً بگویند که کجا این فساد ثابت شده است آقایان بگویند و شما اشتباه کرده اند اگر این طور است هیچ تشخیص بجائی نرسیده و این طرز ممکن نیست و اما بیک طرز رسیده است من که گفته ام فاسد العقیده است ۳۰ نفر که هست در مجلس ۲۵ نفر گفتند همین طور است آن وقت آن فاسد العقیده واقع است یا اینکه طریقه فاسد العقیده را معین کرده باشیم برای اینکه حرف از همین یک کلمه است نظر باین بشود که پیشنهاد آقای حاج آقا رد کردم و این پیشنهاد آقای حاج شیخ الرئیس را هم رد میکنم و قید مشهور و معروف بفساد عقیده لازم نمایانم بلکه همان فاسد العقیده را که در کمیسیون نوشته شده است کافی است برای اینکه همین طوری که بعضی از آقایان تصور میکنند که اگر معروف نوشته شود اسباب بعضی امیضا میشود اما اینکه آقای حاج امام جمعه فرمودند

**نایب رئیس** - این خارج از موضوع است **محمد هاشم میرزا** - مقصود این است که رد نمیتوانند بکنند رد دلیل لازم دارد و این دلیل نمیشود

**نایب رئیس** - یک مرتبه دیگر جزء ( ۸ ) خوانده میشود و رأی گرفته میشود در قابل توجه بودنش ( مجدداً بعبارت ذیل قرائت شد )

( ۸ ) اشخاص متجاهر بفسق و فاسد العقیده در دین اسلام .

**نایب رئیس** - آقای مخبر شما چه میفرمائید **ذکاء الملک** - شاید این را هم که رأی بگیرد رد شود و این مسئله مهم باشد و در اینکه فاسد العقیده نباید انتخاب بشود هم جای شبهه نیست

ولی چون این قسم مواد اختلاف شده است خوب است این را رجوع بفرمائید بکمیسیون که در آنجا شاید بتوانیم بهارتی پیدا بکنیم که مقصود هر دو طرف حاصل باشد و جاه تر باشد

**نایب رئیس** - پس این باز میروم بکمیسیون فقره نهم در این باب مخالفی نیست ( فقره ۹ ) بعبارت ذیل خوانده شد )

( ۹ ) مقصرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت اقدام کرده اند .

**حاج سید ابراهیم** - بنده همان طوریکه عرض کردم مجدداً تکرار میکنم که چون میبینم امروز دولت باید خیلی از این نوع مقصرین را عفو بکند و کرده است یا آنکه خواهد کرد از این جهت قید مادامیکه دولت آن ها را عفو نکرده است لازم میدانم .

**نایب رئیس** - مذاکرات کافی است ( گفتند کافی است )

پیشنهادی از طرف آقای کاشف شده ولی مطلب آن عیناً همین است خوانده میشود ( به عبارت ذیل قرائت شد )

اصلاح ماده الحاقیه بماده ( ۵ ) شرط ( ۶ ) کسانی که بر خلاف اساس حکومت ملی قیام نموده باشند .

**کاشف** - بنده تقاضا میکنم یک کلمه استقلال بعد از حکومت ملی افزوده شود و این هم گمان میکنم موافق راپورت کمیسیون است و اما اینکه آقایان میفرمایند که این کس دارد و بنده عرض میکنم این یک مطلب نیست که بعضی اظهار این نسبت را آن شخص میبرد و در یک چنین مملکتی که قانونی است نمیشود بدون جهت بکسی یک چنین نسبتی بدهند بلکه در این خصوص تحقیقات هم خواهد شد و اگر کسی اقدام کرده باشد عینی است و همه میدانند از این جهت تصور میکنم این کلمه هیچ کس بردار نیست و خیلی هم لازم است

**نایب رئیس** - این نظر را قول میفرمائید **ذکاء الملک** - تفاوتی که دارد با آن راپورت مقصرین سیاسی را انماخته اند مقصودشان این است مقصرین سیاسی هم باشد یا نه اگر مقصرین سیاسی را هم قبول داریم که همان پیشنهاد کمیسیون خواهد بود و بعد از حکومت ملی استقلال مملکت هم کلمه قیام اضافه شود

**کاشف** - آنرا هم بنویسید بنده اصراری ندارم و ضرری هم ندارد ولی آن کلمه استقلال را عرض کردم بعد از حکومت ملی زیاد بکنند لازم است نوشته شود

**نایب رئیس** - پس راپورت کمیسیون خوانده میشود علاوه لفظ استقلال

( جزء ۹ ) بعبارت ذیل خوانده شد .

( ۹ ) مقصرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام اقدام کرده اند .

**نایب رئیس** - این ماده تمام شد ولی نمیتوانیم در آن رأی بگیریم بواسطه اینکه یک جزء آن رفت بکمیسیون و مذاکره در بقیه قانون انتخابات هم میماند برای جلسه آتی .

**حاج عز الممالک** - بنده تقاضا میکنم که تجزیه شود .

**افتخار الواعظین** - بنده تقاضا میکنم که تجزیه شود .

**ذکاء الملک** - چون تقاضای تجزیه شده است باین جهت ممکن است رأی بگیرد .

**نایب رئیس** - سابقاً تقاضا شده که بهش جزء از این ماده رأی گرفته شود و رأی گرفتند و تصویب شد حالا باید در سایر اجزاء رأی گرفته شود از این جهت جزء هفتم خوانده میشود ( جزء ۷ ) مجدداً قرائت شد .

**نایب رئیس** - رأی میگیریم در جزء هفتم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند . ( اغلب قیام نمودند )

**نایب رئیس** - جزء هفتم با اکثریت تصویب شد جزء هشتم که رجوع شده است بکمیسیون جزء نهم خوانده میشود ( جزء نهم مجدداً قرائت شد )

**نایب رئیس** - رأی گرفته میشود در جزء نهم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند . ( اغلب قیام نمودند )

**نایب رئیس** - جزء نهم تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه راجع بورا میرزا جواد مقتول خوانده میشود ( راپورت کمیسیون بودجه بعبارت ذیل قرائت شد )

لايه وزارت مالیه راجع بورا میرزا جواد که سیروز قبل از ورود مجاهدین بتهران در درب مجلس شورایی مقتول شده قرائت گردیده وزارت مالیه پیشنهاد نموده اند مبلغ شش تومان ماهیانه درباره برادر صغیر و مادر پیر او برقرار شود پس از مذاکرات لازم کمیسیون بودجه همین پیشنهاد وزارت مالیه را با اکثریت آراء تصویب مینماید .

ماده - مبلغ شش تومان ماهیانه سه تومان درباره برادر و سه تومان در باره مادر میرزا جواد مقتول مادام الحیوة برقرار میشود .

**نایب رئیس** - مخالفی نیست .

**ادیب التجار** - فقط تقاضا میکنم که آقای مخبر توضیح بدهند حال این میرزا جواد و ورثه او را چون بعضی از نمایندگان نمیشناسند

**حاج عز الممالک مخبر** - میرزا جواد کسی است که چند روز قبل از ورود مجاهدین به تهران در درب همین مجلس بدست اشرار صنیع - حضرت کشته شد و حقیقتاً اشخاصی که آنوقت بودند دیده اند که وراث او بچه حالت و فلاکت افتادند و حالا با کمال صمیمیت و میل باین رأی خواهند داد که بگذرد .

**نایب رئیس** - رأی میگیریم راپورت کمیسیون بودجه که مبلغ شش تومان ماهیانه سه تومان درباره برادر و سه تومان درباره مادر میرزا جواد برقرار شود هر یک از آقایان تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد ( اوراق را راخته و آقای حاج میرزا رضاخان آنها را به عدد ۶۶ ) ورقه احصاء نمودند

**نایب رئیس** - با اکثریت ( ۶۶ ) رأی از ۷۳ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه در خصوص مترجم نظام قرائت میشود ( راپورت مزبور بعبارت ذیل خوانده شد ) لایحه وزارت معارف

در خصوص مترجم نظام در کمیسیون بودجه مطرح مذاکره گردیده وزارت معارف پیشنهاد نموده اند سه ساله سالی ششصد تومان معارج تحصیل در آمریکا و یکصد و بیست تومان خرج مسافرت بهشارالیه داده شود پس از مذاکرات لازم چون این مسئله چندین مرتبه در کمیسیون رد گردیده است این مرتبه نیز با اکثریت آراء پیشنهاد وزارت معارف رد گردید

**نایب رئیس** - پیشنهاد وزارت معارف هم قرائت میشود بعد رأی گرفته میشود ( لایحه وزارت معارف بعبارت ذیل قرائت شد ) مجلس مقدس شورای ملی شیدانه ارکا - میرزا سید حسین خان مترجم نظام که جوان محصل قایلی است وزارت معارف نظر باستحقاق او در تاریخ ۲۴ ذیحجه نمره ( ۲۳۶۹۰ ) پیشنهادی مجلس مقدس نمود که با معارج دولت برای تکمیل تحصیل بآمریک برود و مکرر در این موضوع سؤال وجواب شد و بالاخره وزارت معارف تقاضا کرد مبلغی تصویب نمایند تا مشارالیه بخارج برود پیشنهاد مزبور در مجلس مطرح و پس از مذاکره دنه اول در مجلس عینی بلامتکلیف ماند و در جلسه نانی آن مبلغ تصویب نشد و چون تا بعد تکلیفی معین نگردیده و وزارت معارف هم جواب قاطعی باو نداده اند با تئبریکه در مبلغ داده شده وزارت معارف تصویب میکنند که ماده ذیل راپورت تجویز فرموده که مشارالیه آسوده بارویا رفته تحصیلات خود را تکمیل نماید

( ماده ) سالی ششصد تومان دولت برای معارج تحصیل مترجم نظام بانضمام یکصد و بیست تومان معارج مسافرت او را بآمریک مقرر میدارد که تا سه سال سالی ششصد تومان مرتباً باو عاید گردد .

**معاون وزارت معارف** - همینطوریکه در لایحه عرض شده است که در مجلس شورای ملی واقفان تیب کار مترجم نظام خیلی تعویق افتاده است باوجودی که وزارت معارف مکرر بمجلس مقدس پیشنهاد کرده اند که مقتضی است که یک همراهی در باره او بشود که پیش از این معطل نشود مترجم نظام راهمه آقایان بخوبی می شناسند کدر واقع یک آدم جدی است و همه نوع ایقت را دارد و لازم است که برود برای تحصیل که تکمیل تحصیلات او بشود همینطور که در لایحه هم عرض کردم از یک سان و نیم قبل از طرف دولت باو وعده داده شده بود که در اداء خدمات و زحمات او با آن جدو جهتی که در خدمت دولت دارد برود تحصیل خودش را تکمیل بکند منتهی در کابینه های مختلف که باو وعده داده بودند موفق نشدند که جدأ در مقام اقدام وعده خودشان برآیند ولی این مرتبه وزارت معارف برائز پیشنهادی که در کابینه های سابق شده بود این پیشنهاد آخری را تقدیم نمود و بار هم بنده عرض میکنم که در تصویب این وجه تصور نکنند که یک وجهی است که بی محل مصرف شده باشد برای اینکه مترجم نظام ایقت دارد که بعد از دوسه سالی یک شخص آراسته شود که بعد مملکت بخورد استعدا میکنند که آقایان از روی بصیرت توجهی در این لایحه آخری وزارت معارف بفرمایند و این مبلغ را تصویب فرمایند که باین معارج برود تکمیل تحصیلات خودش را در اروپ بکند .